

---

---

## بررسی عوامل مؤثر در انحرافات اجتماعی

«با تکیه بر عوامل خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان»

دکتر محمد صادق مهدوی  
ذبیح الله صدفی

---

---

### پیشگفتار:

در ارتکاب اعمال نابهنجار یا وقوع انحرافات نمی توان تنها از یک یا چند عامل محدود و مجزا سخن گفت، بلکه مجموعه‌ای از عوامل که امکان تفکیک یکایک آنها بسادگی میسر نیست، در آنها نقش دارند. در این میان نسل جوان بدلیل حساسیت زیاد و سایر خصوصیات روحی و جسمی بیش از سایر افراد در معرض انواع فشارها و ناملایمات قرار دارند. بعلاوه کمبود تجربه و عدم توانایی کافی در مقابله با مشکلات در میان جوانان امکان ابتلای آنان را به انواع انحرافات اجتماعی بیشتر می نماید. در واقع جوانان خیلی زود تحت تأثیر عوامل متعدد قرار می گیرند، بطوریکه گاه برای حل مسائل یا ارضای نیازهایشان بسوی راههایی که سرانجام آنها یأس و نابودی است کشیده می شوند. در واقع این واکنشها نیز نوعی مکانیسم دفاعی در مواجهه با مشکلات و مسائل زندگی است، بنحوی که طی آن فرد راه عقب نشینی یا فرار را انتخاب نموده و به این ترتیب خود را از مشکلات زندگی مصون می دارد.

بنابراین برای جلوگیری از کشیده شدن جوانان بسوی انحرافات باید نیازهای شخصیتی، فیزیکی و اجتماعی آنها در حد معقول، مورد بررسی و شناسائی واقع گردد تا در راستای ارضای این نیازها بطرف زندگی سالم و متکی بخود راهنمایی گردند. ضمناً

تأکید بر این نکته ضروری است که انحرافات امروز جوانان و نوجوانان می‌تواند زمینه‌ساز جرائمی بزرگ تا حد جنایت در آینده آنان باشد، و این امری است که برای حفظ آتیه جامعه و نیروهای آن مستلزم اقدامات جدی است. بدین منظور علاوه بر شناسایی افراد منحرف و درمان سریع فرد منحرف، باید انحراف را ریشه‌یابی کرد و درصدد پیشگیری و از میان بردن عوامل ایجادکننده آن بود. لذا توجه به یافتن ریشه‌های اصلی انحراف در جامعه بمنظور تربیت سالم جوانان ضرورتی فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که بدان پرداخته می‌شود.

#### مقدمه:

#### طرح مسئله

بطور کلی «مسئله اجتماعی، وضع، حال و شرایط اجتماعی بفرنج و پیچیده‌ای است که در جامعه و امور و پدیده‌های اجتماعی، سازمانها و اعتقادات و ارزشهای اجتماعی بدرجات مختلف مؤثر می‌گردد و آنها را در تنگنا قرار می‌دهد، و جامعه آنها تهدیدی برای وضع و موقع حیات مطلوب خود تلقی می‌کند، مثل انواع بزهکاری، بیسوادی، فقر، تورم و پاره‌ای از انحرافات اخلاقی و اجتماعی نظیر نفع‌پرستی، دروغ، ریا، دزدی، و پاره‌ای طغیانهای روحی از جمله هیپی گری و نظایر آن، از طرف دیگر اینها خود زادگاه و خاستگاهی جز بسترهای اجتماعی جامعه ندارند.»<sup>۱</sup> لذا جهت شناخت و بررسی مسائل اجتماعی مؤثر بر انحرافات اجتماعی (ارتکاب جرم) می‌بایست بطور مشروح اهمیت، هدف و انگیزه این مسئله تعریف و تشریح گردد.

#### انتخاب مسئله

از آنجا که «مسئله اجتماعی (بزهکاری نوجوانان) می‌تواند وضع یا شرایط کلی اجتماعی را که دشواری خاصی پدید آورده، یا ساختهای اقتصادی نامطلوبی را که موجب بروز نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی گردیده، یا بی‌عدالتیهایی را که صورت نهادی یافته‌اند، و نیز نارضایتی و نابسامانی عمومی را برساند، لذا این مسئله می‌تواند

## بررسی عوامل مؤثر در انحرافات اجتماعی / ۷

در معنای شرائط و اوضاع خاصی بکار رود که نیاز به بهسازی (محیط) و بازسازی (نوجوانان) داشته باشد. بعبارت دیگر می توان تأثیر متقابل عوامل خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی را بر این مسئله اجتماعی مورد ارزیابی، تحقیق و تفحص قرار داد که چگونه استفاده بهینه از انرژی پتانسیل موجود در جامعه (جوانان) می تواند در اولویت برنامه ریزیهای کشور قرار گیرد، در اینصورت مسائل اجتماعی ناشی از وجود عدم تعادل نظام اجتماعی (مشکلات یا بن بستهایی که خروج از آنها برای افراد محروم امکان پذیر نیست) که موجبات امحای یکپارچگی و هماهنگی و انسجام اجتماعی را فراهم می سازند، مطمح نظر قرار می گیرند.<sup>۲</sup>

### اهمیت مسئله

بطور کلی «مسئله اجتماعی، مسئله ای ناشی از روابط انسانی است که خود جامعه را بطور جدی تهدید می کند، و یا تحقق تمنیات مهم مردم کثیری را مانع می شود، لذا مسئله اجتماعی هنگامی بوجود می آید که بنظر می رسد: قدرتی که جامعه متشکل برای تنظیم روابط بین افراد دارد با شکست روبرو می شود، نهادهای آن دستخوش تزلزل می شود، قوانین و هنجارهای آن مورد بی احترامی قرار می گیرد، انتقال ارزشهای آن از نسلی به نسل دیگر بسختی صورت می گیرد، و چهارچوب توقعات متزلزل می گردد. مثلاً توجه زیادی که امروز به بزهداری نوجوانان معطوف می شود فقط تا حدودی، باین دلیل است که بزهداری مقدمه جرم و یا تهدیدی برای ایمنی و مالکیت شخصی است. علت دیگر آن ترس از این است که جامعه در انتقال ارزشهای مثبت اجتماعی به جوانان خود با شکست روبرو می شود.<sup>۳</sup> بعبارت دیگر بزهداری نمایشگر تزلزلی در پاره نظامهای جامعه تلقی می شود که این خود اهمیت مسئله را نشان می دهد.

### ضرورت مسئله

«اگرچه عمل بزهدار موجب واکنشهای شدید که غالباً خشونت آمیز نیز هستند می شود، اما باید گفت بزهداری در کل آن، معمولی و در حد وسیعی پیش پا افتاده و جزئی از زندگی روزمره ما شده است. زیرا اگرچه بر حسب محیطهای مختلف اجتماعی اشکال گوناگونی بخود می گیرد، اما در عین حال در همه این محیطها پخش شده است.

تصویر بزهکار نیز متحول شده و دیگر موجودی لزوماً با پیشینه‌های استثنائی یعنی برخوردار از ناتوانی جسمی یا روانی یا متعلق به طبقه فقیر جامعه نیست، بزهکاری یک واقعیت اجتماعی است و افراد گوناگونی می‌توانند بزهکار شوند. بنابراین از یکطرف جرم برای بعضی افراد یا گروهها یک فعالیت عادی، مستمر و حرفه‌ای است، از این بابت آنچه که نام محیط مجرمانه بخود گرفته است در هر جای دنیا وجود دارد. و از طرف دیگر بزهکاری با گذشتن از مرحله پیشه‌وری و رسیدن به مرحله صنعتی، تحول جوامعی را که از نظر اقتصادی پیشرفته‌اند دنبال کرده است. چنین جوامعی که بر تجارت آزاد، ابتکار فردی، سودجویی، و موفقیت مادی بنا شده‌اند، و در عین حال در مورد انتخاب راههای رسیدن به این اهداف زیاد سختگیر نیستند، جاده بزهکاری را هموار ساخته‌اند. و از آنجائی که این جوامع، برخی مکانیسمهای کنترل اجتماعی (مانند خانواده، مذهب، آموزش و پرورش و نظایر آن) را به خاطر تضمین و تأمین آزادیهای فردی، تضعیف ساخته‌اند، لذا بزهکاری نیز سود آور گردیده است. در واقع جرم باید بعنوان تعارضی بین فرد و گروه در نظر گرفته شود و ویژگیهای آن در سطوح مختلف مورد مطالعه قرار گیرد. به موازات آن باید رجوع به هنجارهای اجتماعی را وسعت بخشید و خود را در مقام تشخیص بالینی موقعیت زندگی فرد در میان گروه قرار داد. لذا باید از خود پرسید:

- آیا عمل مجرمانه دارای مفهوم کم‌اهمیت تری نسبت به فرآیندهائی که جامعه بدین وسیله به بعضی افراد، برچسب بزهکار می‌زند و یا نسبت به نوع واکنشی که افراد در برابر این عمل، نشان می‌دهند نیست؟

- آیا بزهکاری در واقع از طریق فرآیندهای تعاملی نیست که شکل می‌گیرد؟
- آیا نهادهای کیفری و جامعه نیز در ایجاد بزهکاری نقشی را ایفا می‌نمایند؟
- آیا جرم محصول ساختار بزهکارانه افراد است یا پیامد فرآیندهای اجتماعی؟
- آیا برچسب مجرمانه‌زدن، و سوء استفاده از مجازات، بر تعداد بزهکاران نخواهد

افزود؟

- آیا باید با مجازات از شر بزهکاران رهایی یافت یا با سیاست پیشگیری و

سرکوب بزهکاری؟

بنابراین شناخت بزه یا بزه‌شناسی باید وسیله‌ای باشد برای عملی ساختن اقدامات

و برنامه‌های جدید مسئولین، چه در زمینه پیشگیری از بزه و چه در زمینه مجازات

بزهکاران، علیهذا حمایت افراد و جامعه از یکسو، و ضرورت نوسازی عدالت کیفری از سوی دیگر نیز می‌تواند از آن بهره برد، تا از اینطریق از لطمه رسیدن به ارزشها و هنجارهای اجتماعی جامعه جلوگیری بعمل آید.<sup>۴</sup>

### ۱- زمینه تئوریکی:

قبل از آنکه به تئوریهای مورد استفاده در این پژوهش جهت تبیین موضوع پردازیم، لازم است به معانی و مفاهیم انحراف اجتماعی، پیدایش بزهکاری، و استراتژی ضد بزهکاری در جامعه، نظری اجمالی داشته باشیم، آنگاه به تئوریهای عمده درباره عوامل مؤثر بر انحرافات اجتماعی یا بعبارتی بزهکاری نوجوانان پرداخته شود، تا از اینطریق به یک چهارچوب نظری قابل استفاده در عمل نائل آئیم.

#### ۱-۱- تعریف مفاهیم

##### ۱-۱-۱- مفهوم کج رفتاری / رفتار نابهنجار / انحراف اجتماعی

«معمولا انحراف اجتماعی به رفتاری اطلاق می‌گردد که با موازین مورد قبول یک جامعه یا گروه ناسازگار است. یا به بیان دیگر دارای کارکرد نامناسب و در جهت نقض قواعد یا موازین اجتماعی است. بنابراین هرگونه رفتار نامتداول الزاماً رفتار انحرافی نیست. با این فرض انحراف اجتماعی تابع زمان و مکان است، یعنی ممکنست رفتاری در جامعه‌ای بهنجار تلقی شود ولی در زمان دیگر در همین جامعه یا جامعه‌ای دیگر نابهنجار بشمار رود.

بنظر جامعه‌شناسان رفتار انحرافی رفتاری است که از انتظارات نهادی شده تخطی می‌کند، از انتظارات مشترکی که درون یک نظام اجتماعی، مشروع تشخیص داده می‌شوند. برخی جرم‌شناسان نیز کج رویهای اجتماعی را ناشی از جامعه و نابسامانیهای آن دانسته و فرد را در بروز آن مقصر نمی‌دانند و معتقدند که چون جامعه قادر به تربیت و مهار افراد از لحاظ اجتماعی نیست، کج رویهای اجتماعی شیوع می‌یابد. در مقابل این

نظر، برخی روانشناسان به نقش فرد در انحراف اجتماعی توجه دارند و می‌گویند جامعه مجموعه‌ای از افراد است، بنابراین، این فرد است که با انحراف خود ممکنست جامعه را به کجروی بکشاند.

جامعه‌شناسان تعریفی کلی از انحرافات اجتماعی ارائه داده‌اند که بدین شرح است: انحراف اجتماعی به اعمالی اطلاق می‌شود که بطریقی به حفظ و پیشبرد ساختارهای بنیادی جامعه لطمه وارد آورد. اعمالی که با حفظ منافع اصلی جامعه در تضاد باشد، از قبیل سرقت، استعمال مواد مخدر و غیره. لذا برحسب درجه اهمیتی که موازین اجتماعی برای نوع انحراف قائل است، عکس‌العمل شخص منحرف متفاوت بوده و به درجات گوناگون روی زندگی او تأثیر می‌گذارد تا جائیکه برخی از انحرافات از حد متعارف تجاوز کرده، بصورت جرم و بزهکاری درمی‌آیند که به نوبه خود تحت تأثیر عوامل مختلف صورت گرفته‌اند.<sup>۵</sup>

بطور کلی «منحرف، فردی است که با رفتار، افکار، و گرایشهای فکریش از الگوها و هنجارهایی که وجه مشخصه گروه اوست فاصله می‌گیرد، و در نتیجه بوسیله آن گروه مورد قضاوت واقع می‌شود. فرض این است که منحرف با اکثریت گروه اجتماعی که مجری و مطیع قانون است درستیز می‌باشد، اما در عین حال بزهکار نیست. هر گروه تا اندازه‌ای انعطاف دارد، فقط هنگامی که فرد از بعضی حدود پا فراتر نهاد، گروه آنرا که منحرف است از خود میراند. فقط در این هنگام بیم آن می‌رود که وی به یک بزهکار تبدیل شود. بنابراین مفهوم انحراف بیانگر تعارضی معنی‌دار بین فرد و گروه می‌باشد که نهایتش عمل بزهکارانه خواهد بود. البته مرز بین انحراف و بزهکاری بستگی به آستانه گذشت جامعه دارد، اما این آستانه همیشه کاملاً با پیش‌بینی‌های قوانین کیفری منطبق نیست، بعلاوه رویه و رفتار بیشتر مردم مجموعه همگون و ثابتی نیست. از اینرو ممکنست رویه‌ها و سطوح برداشت مختلفی در نزد افراد وجود داشته باشد.»<sup>۶</sup>

بنظر برخی جامعه‌شناسان، مراد از انحراف، مجموعه رفتارهایی است که با هنجارهای اجتماعی در عین اعتبار و اجرا مطابقت ندارد و بنابراین در گروه اجتماعی موجب بروز واکنشهای متنوعی می‌شوند که کنترل اجتماعی خوانده می‌شود. از اینرو انحراف از نقص بدنی و روانی آغاز و بر اثر نقض مقررات مذهبی، اوامر اخلاقی، رسوم اجتماعی و قواعد قانونی غیر کیفری به بزهکاری می‌رسد.<sup>۷</sup>

«بنابراین، اصطلاح انحراف باید به موقعیتهائی اطلاق شود که انسان برخلاف مسیر مورد قبول جامعه رفتار کند، تا حدی که جامعه توان تحمل آنرا نداشته باشد. جنایت و بزهکاری، آشکارترین اشکال انحراف هستند، لیکن تبهکاری به اعمالی گفته می شود که جنبه قانون شکنی دارند و مستوجب مجازات قانونی هستند، و بزهکاری به اعمال جنائی افراد جوان اطلاق می شود. تبهکاری، بزهکاری، استعمال مواد مخدر، فحشاء، بیماری روانی، خودکشی، الکلیسم، و همجنس گرایی از انواع انحرافات اجتماعی محسوب می شوند.»<sup>۸</sup>

بنابراین بطور خلاصه می توان گفت «هر انحرافی که بصورت جدی هنجارهای گروههای اجتماعی را در معرض خطر تغییر و تبدیل قرار دهد، با واکنش های نامساعد اعضای گروه مواجه می شود، این امر در مورد همه گروهها عمومیت دارد و کاملاً طبیعی است، زیرا چنانچه هنجارها و ارزشهای گروه اجتماعی در معرض تهدید و خطر دائمی باشد، حیات خود گروه به خطر می افتد و نظام اجتماعی موجود گروه تغییر شکل می دهد. در جوامع کنونی انحرافات خطیرتری را که نسبت به هنجارها و ارزشهای اجتماعی صورت می گیرد، جرم می خوانند و با مجازات کردن مجرم در مقابل آن واکنش نشان می دهند، لیکن این واکنش جامعه در مقابل انحراف و پدیده مجرمانه هم جنبه مساعد داشته و هم نامساعد بوده است.»<sup>۹</sup>

در خاتمه لازم بذکر است که در رابطه با قانون، هنجار و کج رفتاری می توان گفت «قانون در واقع شکل تبلور یافته هنجار است، و قانون زمانی بوجود می آید که احتمال کج رفتاری (انحراف) از هنجارها بوجود آید.»<sup>۱۰</sup>

## ۲-۱-۱- پیدایش جرم / بزه / بزهکاری

از دیدگاه جامعه شناسی «جرم نه تنها در بیشتر اقسام اجتماعات بلکه در همه انواع اجتماعات دیده می شود. جامعه ای نیست که در آنجا مجرمی وجود نداشته باشد، منتهی صورت آن تغییر می کند و اعمالی که جنبه جنائی دارند در همه جا یکسان نیست، اما همه جا و همیشه افرادی وجود داشته اند که شیوه رفتارشان مستوجب مجازات بوده است. بنابراین جرم در آغاز پدیده هنجاری بوده و بتدریج این صفت را از دست داده است، زیرا به نظر می رسد با کل حیات جمعی کاملاً مربوط باشد. از آنجا که جرم عبارت از فعلی

ساسات جمعی معین را که دارای نیرو و صراحت مخصوص است، جریحه‌دار می‌سازد، پس برای آنکه در جامعه معین افعال معروف به جرائم ریشه‌کن گردد باید احساساتی که افعال مذکور آنها را جریحه‌دار می‌سازد در وجدان همه افراد بدون استثناء با مقدار نیروئی که شرط لازم جلوگیری از احساسات مخالف است وجود داشته باشد. پس جرم به شرائط اساسی حیات اجتماعی بستگی دارد، لذا شرائطی که با جرم بستگی دارد برای تطور بهنجار اخلاق و حق لازم است.

از این دیدگاه وقایع اساسی جرم‌شناسی بصورت کاملاً جدیدی ظاهر می‌شود، برخلاف تصورات رایج، امروز مجرم موجودی اصولاً غیراجتماعی و طفیل و عنصری خارجی و ناسازگار نیست که بعرضه اجتماع درآمده باشد، وی عامل عام و عادی حیات اجتماعی است. جرم هم بنوبه خود نباید شری تصور شود که نتوان آنرا بسیار محدود کرد. در واقع وقتی جرم و جنایت بنحو محسوسه از حد معمول کمتر می‌شود جای خوشوقتی نیست، بلکه می‌توان مطمئن بود که این ترقی‌ظاهری با آشفته‌گی اجتماعی همزمان است و به این آشفته‌گی مدد می‌کند. در واقع وقتی جرم بیماری باشد مجازات درمان آنست و تصور آن بنحو دیگر میسر نیست، اما وقتی جرم جنبه بیماری نداشته باشد، مجازات هم درمان آن نخواهد بود، یعنی اثر حقیقی مجازات را باید در جای دیگر جستجو کرد.<sup>۱۱</sup> در واقع «جرم تعریفی است که جامعه از بعضی اعمال بعمل می‌آورد و صفت و شأن ذاتی عملی نیست که مورد مجازات قرار می‌گیرد.»<sup>۱۲</sup>

بنابراین «مجموعه جرائمی را که در زمان و مکان معینی بوقوع می‌پیوندد بزهی‌کاری می‌نامند، از اینرو بزهی‌کاری به کل جرائمی گفته می‌شود که در صورت ارتکاب، بموجب قوانین حاکم بر جامعه، دارای مجازات هستند. در واقع این تعریف مشروط به فرهنگ، آداب و رسوم، و همچنین نظام سیاسی، عقیدتی یا اقتصادی جامعه مورد نظر است.»<sup>۱۳</sup>

«مفهوم جرم از یکطرف با زمان ارتباط دارد و بعلت آنکه هر پدیده‌ای همانطور که پیوستگی و روابط فراوانی با زمان و شرائط هر جامعه دارد، به مجموعه میراث‌های فرهنگی، مذهبی، سنن و آدابی که در هر اجتماعی سلطه و نفوذ فراوان دارند نیز وابسته است. و از طرف دیگر در تعریف جرم، باید جنبه مکانی آن نیز در نظر گرفته شود، زیرا توصیف این پدیده باید برمبنای وضع و شرائط هر اجتماع در زمان خاص انجام گیرد، چرا که به اعتبار تغییر شرائط زندگی مفاهیم و رویدادها نیز پیوسته در حال دگرگونی و تحول است.



به اینصورت که آنچه در زمانی خاص از طرف اجتماع و از دید افراد جرم محسوب می شود، ممکنست در زمانی دیگر بعلت تغییر شرائط اجتماعی و بعلت ارزشهای فرهنگی، فاقد آن اعتبار گردد. بنابراین تعریف دقیق جرم از نظر اجتماعی باید در چهارچوب شرائط فرهنگی و اجتماعی زمان و جامعه مورد نظر صورت گیرد تا منطبق با نظرات و اندیشه های افراد آن جامعه که بر مبنای معیارها و کیفیت مایه های فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان قرار دارد، مطابق باشد. در واقع جرم از نقطه نظر اجتماعی عملی است که نظم اجتماعی را نقض نموده و این نظم در هر عصری متناسب با تمدن، افکار و عقاید متعارف همان عصر می باشد.

از نظر قانونی نیز جرم عبارت است از عمل یا ترک عملی که قانون آنرا پیش بینی نموده و برای ترک یا ارتکاب آن مجازات تعیین نموده باشد. بعبارت دیگر جرم عمل یا خودداری از عملی است که مخالف نظم و صلح و آرامش اجتماع بوده و از همین حیث مجازاتی برای آن تعیین نموده باشند. در واقع هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود.<sup>۱۴</sup>

در عرف مددکاران اجتماعی «از آنجا که سرپیچی از قوانین رفتاری حاکم بر روابط اجتماعی، کجروی نامیده می شود، لذا شخصی که قوانین رفتاری و جامعه را نقض نماید به مقتضای امر، کجرو، نابهنجار، و یا بیمار خوانده می شود. از اینرو کجروان با قوانین بهنجار جامعه (قوانینی که ضمنانیت اجرائی داشته و در زندگی روزمره افراد مراعات می شود) سازگاری نداشته و از این جهت بیگانه و اجنبی خوانده می شوند و می بایست تحت مددکاری و بازسازی اجتماعی قرار گیرند.»<sup>۱۵</sup> در این راستا «چهار خصلت روانی که هسته اصلی شخصیت مجرم را تشکیل می دهد می بایست مدنظر قرار گیرد: اول - خصلت خودبینی، که بطریق آن مجرم در اعمال خود دآوری کرده و با متهم کردن دیگران، کار خلاف خود را قانونی جلوه می دهد. دوم - خصلت بی بند و باری، که در اینمورد مجرم بواسطه عدم توانائی اندیشیدن به نتایج کار خود، اعمال خلاف خود را بناچار تکرار می نماید. سوم - خصلت پرخاشگرانه، که در این خصوص مجرم بواسطه عدم ارضای نیازهای خود دچار یکنوع ناکامی نسبی گردیده و شدت روزافزون این ناکامی فرد را دچار خشونت می نماید. چهارم - خصلت بی تفاوتی عاطفی، که در اینمورد مجرم در قبال قربانیان خود دچار بی تفاوتی عاطفی می گردد، زیرا در غیر

اینصورت مجرم هنگام گذر از فکر به عمل، از ارتکاب جرم خودداری می‌کرد.<sup>۱۶</sup>

### ۳-۱-۱- استراتژی ضد بزهکاری در جامعه

از آنجا که «جرم موجب برانگیخته شدن اختلال شدیدی در جامعه می‌شود، عمل بزهکارانه نخست واکنش جامعه را تحریک می‌کند، این واکنش در قالب کیفر بیان می‌شود. مجازات در واقع درجه وخامت اختلال ایجاد شده بوسیله جرم را بگونه‌ای اندازه‌گیری می‌کند، از اینرو کیفر نقش روانکاوانه جهت برقراری تعادل بهم خورده و آرامش در جامعه دارد. کیفر بهداشت اجتماعی در راستای واکنش جامعه در برابر جرم است. لذا این واکنش طبق مجموعه‌ای از نهادها و آئینها که آنرا نظام کیفری می‌نامند، سازمان یافته است. این نظام تشکیل شده از شهربانی، دادگستری و اداره زندانها که معمولاً توسط نهادهای عمومی یا خصوصی دیگر مانند خدمات اجتماعی یا مددکاری بعد از پایان مرحله کیفری یعنی آزادی از زندان، تقویت می‌شود.»<sup>۱۷</sup> بنا بر این در این سیستم «مسائل مربوط به طرز اجرای کیفر و اقدامات تأمینی، روشهای اصلاحی، تربیتی و یا درمانی و چگونگی منطبق نمودن آنها با شخصیت بزهکاران، تشکیلات و سازمان زندانها و سایر مؤسسات اصلاحی، تربیتی و یا درمانی، و اصولی که رعایت آنها سبب اصلاح و تربیت بزهکار و آماده نمودن آنان به زندگی عادی اجتماعی است، مدنظر قرار می‌گیرد.»<sup>۱۸</sup>

بطور کلی «حفظ آرامش همگانی در برابر بزهکاری و هدایت خشونت طبیعی انسانها به راههای مشروع برای استفاده از آن در جهت مثبت، از اهدافی هستند که تمام دولتها در رسیدن به آن کوشش می‌کنند. برای تعادل هراجمع انسانی، ضروری است که فعالیتهای بزهکارانه مهار شود، بطوری که اهمیت بیش از حدی را بخود اختصاص ندهد. هر تعریفی که نظام اجتماعی به بزه داده باشد، این خواستها در آن تجلی می‌کند. افزون بر این، واکنش علیه بزهکاری را نیز توجیه می‌نماید. لیکن چگونه می‌توان چنین واکنشی را به بهترین نحو سازمان بخشید؟

کلیه جوامع برای حفظ نظم اجتماعی خود، به نظامهای مختلف با ضمانتهای اجرائی مختلف مانند اخلاق، انضباط، آداب و رسوم و غیره متوسل می‌شوند که کم و بیش بارز و الزام آور و مکمل یکدیگرند. همچنین نظام کیفری غالباً هنگامی مداخله

می‌کند که سایر مکانیسم‌های پیشگیرانه کنترل اجتماعی کارآمد نبوده یا ناکافی باشند. لذا وقتی تجاوزی مهم به ارزشها یا ممنوعیتهای گروه صورت می‌گیرد توسل به نظام کیفری مطرح می‌شود. بنابراین فشاری که به وسیله جامعه بر افراد وارد می‌شود برحسب ماهیت رژیم سیاسی، ایدئولوژی و آداب و رسوم تغییر می‌کند. بدینسان نظم اجتماعی ممکنست بریک ایدئولوژی یا یک نظم اخلاقی که باندازه کافی برای پیشگیری از تخلفات قوی باشد، تکیه کند. این نظم اجتماعی برحسب نهادهای سیاسی حاکم می‌تواند اشکال خشنی به خود گیرد، چرا که در هر کشور تابع حقوق، استفاده مشروع از خشونت در انحصار دولت است. در اینصورت، تعیین مرز بین بزهکاری و نظم اجتماعی دشوار خواهد بود و بیم آن می‌ورد که نظم اخلاقی حتی اگر نظام قانونی ظاهراً محترم شمرده شود، خود به یک نظم مجرمانه تبدیل شود.

درواقع تطبیق قوانین کیفری با تحول جامعه باید دائمی باشد، اگر چنین انطباقی عملی نگردد، بیم آن می‌رود که بین مردم و آنانی که مسئول مراقبت اجرای قوانین هستند شکاف بوجود آید، و این شکاف افزایش رفتارهایی را که در حد قانون قرار می‌گیرد هموار می‌سازد. در جامعه امروزی، آرزوهای جدیدی وجود دارند که بموازات آن مسئله توزیع مجدد ثروت و اوقات فراغت مطرح می‌شود. اما معمولاً نیاز به عدالت، با آغاز احساس بی‌عدالتی نسبی گسترش می‌یابد و در نتیجه ضعفهای حقوق را بعنوان شیوه سازماندهی در زندگی اجتماعی مطرح می‌سازد، زیرا حقوق برای بخشی از افکار عمومی بمثابة ابزار اختناق و برای بخشی دیگر بعنوان موتور دگرگونی به حساب می‌آید که اختلالی حتمی از این دگرگونی برای گروه اجتماعی بوجود خواهد آمد. ضمناً در جامعه امروزی، اشکال نوین بزهکاری که بگونه‌ای تنگاتنگ با تحول آداب و رسوم و فنون و نیز شیوه‌های زندگی در ارتباط است، روشهای جدید مداخله بمنظور حل مسائل از طریق بررسی آنها از نزدیک را ایجاد می‌کند. بعلاوه، واقعیت این است که دامنه مداخله قانون کیفری با تحول جوامع، بتدریج محدود می‌شود، لذا این موضوع ایجاد می‌کند که بار نظام کیفری به نظامهای ضمانت اجراء اجتماعی دیگری منتقل شود که برای فرد سبکتر و کمتر بدنام‌کننده است، اما احترام به هنجارهای جامعه و همچنین انضباط لازم که ادامه حیات هر جامعه سازمان یافته بدان بسته است را نیز تأمین کند.

عدالت کیفری فقط هنگام تجاوز خطرناک و مهم به ارزشهای اساسی جامعه یک

مرجع دادخواهی است. وظیفه عدالت کیفری این نیست که برای کلیه اختلافاتی که در جامعه بوجود می آید، داوری عادی باشد. نهادهای دیگر مانند خانواده، مدرسه، دین و غیره باید احترام به هنجارهای مشترک را تشویق و ترغیب کنند و چون این نهادها وظیفه خود را مانند گذشته کاملاً انجام نمی دهند، در نتیجه بار نظام کیفری بی اندازه زیاد شده است. از اینرو موانع کنترل اجتماعی در برابر پیشرفت فنون و آزادسازی رسوم کم کم جابخالی کرده اند و غالباً فقط پلیس و قاضی و زندان برای وادار کردن افراد به احترام به هنجارهای جامعه باقی مانده اند، که متأسفانه آنان در شرائط و درمقام خوبی برای انجام این وظیفه قرار ندارند. بنابراین باید بسوی تقویت این نهادهای اجتماعی (یعنی خانواده، مدرسه، دین، ...) پیش رفت تا هم هزینه زیادی برای جامعه نداشته باشد و هم تهدیدی برای آزادیهای اجتماعی نباشد.<sup>۱۹</sup>

«امروزه حدود نیمی از جمعیت ایران را جمعیت ۲۴-۱۲ ساله تشکیل می دهد. اوضاع و احوال ایران نیز در چند سال گذشته با توجه به تحولات فرهنگی و اقتصادی عظیم مانند فروپاشی نظام پوسیده شاهنشاهی، محاصره اقتصادی، و جنگ تحمیلی که بر جامعه انقلابی ما وارد آمده، از یک طرف موجب بروز حماسه ها و ایثارگریها از جانب نسل جوان بوده و هم در مواردی در نتیجه تبلیغات گمراه کننده منحرفین داخلی و منفعت طلبان خارجی زمینه بروز انحرافات را تشدید کرده است. و از آنجا که سازندگی فردای جامعه بستگی به نیروی فعال کشور و سلامت جسمی و روحی این نسل جوان دارد، لازم است که همه امکانات جامعه را برای پیشگیری، مبارزه و ریشه کن سازی انحرافات اجتماعی جوانان و نوجوانان کشورمان بکارگیریم و بدانیم که حفظ و هدایت آنان تأمین کننده سلامت و موفقیت آینده کشور و تداوم انقلاب است.

تحقیقات متعدد در ایران نشان داده است که طی سالهای بعد از انقلاب، بدلائیل گوناگونی نظیر جنگ، رشد سریع جمعیت و نابسامانیهای فرهنگی و اقتصادی ناشی از آن، تبلیغات استکبار جهانی و غیره بنحو چشمگیری بر تعداد جوانانی که دچار انحرافات مختلف اجتماعی (بزهکاری) هستند افزوده شده است. در کنار این مسائل، توطئه های سیاسی و فرهنگی چه بصورت داخلی و چه بصورت خارجی موجب شده است که جامعه وضع تربیتی رضایت بخشی نداشته باشد. وجود گروهها و جریانات ناسالمی که بطرق مختلف در راه تخریب اخلاقی و فرهنگی این نسل کوشش می کنند،

خود مزیدی بر این روند ناسالم است. با ادامه این روند، بدون شک، حتی اگر محیط مدرسه و خانه نیز سالم باشد، فساد اخلاقی از محیط به خانه و مدرسه، سرایت پیدا می‌کند و افزایش می‌یابد. بطوریکه اثرات نامطلوب آن نه تنها دامنگیر شخص منحرف می‌شود، بلکه تمام کسانی را که به گونه‌ای با وی وابستگی دارند فرا می‌گیرد و نیروی انسانی فعال جامعه را که در آینده کشور می‌توانند نقش سازنده و مفیدی داشته باشند از میان می‌برد.<sup>۲۰</sup>

## ۱-۲- چهارچوب تئوریک:

از آنجا که همه تئوریهای مربوط به انحرافات اجتماعی، ممکنست قابل استفاده در عمل (قابل سنجش) نباشند، و برخی از تئوریا نیز زیر مجموعه تئوریهای دیگر قرار بگیرند و از طرفی بعضی نیز در متغیرها و معرفهای یکدیگر مشترک باشند، لذا در عمل تئوریهای ذیل با توجه به اهداف تحقیق، جهت تبیین مسئله ارائه می‌گردند:

- تئوری اجتماعی شدن / جامعه پذیری = مید / دورکیم / پارسنز

- تئوری کنترل اجتماعی / نظارت اجتماعی = پارسنز / دورکیم

- تئوری نابهنجاری اجتماعی / آنومی = دورکیم / مرتن

- تئوری نیازها = مازلو

- تئوری مبادله اجتماعی = زیمل / هومنز / بلاو

قبل از آنکه به متغیرها و معرفهای مورد سنجش در این تئوریا جهت تبیین موضوع مورد بررسی پرداخته شود، لازمست بطور اجمال با این تئوریهای عمده که از جوانب مختلف به مسئله (انحراف اجتماعی) نگریسته شده توجه شود، آنگاه از لحاظ زووشی به متغیرها و معرفهای مربوطه بپردازیم.

### ۱-۲-۱- تئوری اجتماعی شدن / جامعه پذیری / هنجارپذیری

بطور کلی «جریان اجتماعی شدن و جامعه پذیری، به جافتادن ارزشها و مهارتها در فرد اشاره دارد، تا اشخاصی که نقشهای اجتماعی را اشغال می‌کنند معرفت کافی بیابند به اینکه چه چیزی از آنها انتظار می‌رود و چگونه باید عمل کنند. بعلاوه همین انتظار را از سایر مردم داشته باشند و بخواهند که آنها نیز بدین ترتیب عمل کنند. اگر جامعه پذیری

در این شکل تحقق یابد، بدیهی است کنشهایی که در نقش خاصی انجام می‌گیرد، ضمن آنکه متأثر از ارزشهای عاملان کنش است، با رفتار اشخاص دیگر که تحت تأثیر ارزش در شخص آنهاست نیز همساز است. این همسازی تحمیلی نیست بلکه به محض اینکه مردم با الگوهای اساسی ارزش که بنحو منظمی به کالبد اجتماعی منظم هستند، آشنا شوند و آنها را بکار می‌گیرند، کنشها خود انگیزته می‌شوند. به یقین جامعه‌پذیری، پرورنده محرکهای اساسی است که اشخاص، کنش خود را بر آنها بنا می‌کنند. بنابراین، هر فعالیتی محصول توانائیهای فردی، قواعد و هنجارهای هر نقش اجتماعی و ایستارهای ارزشی در جامعه است.<sup>۲۱</sup>

در واقع «فرد با اجتماعی شدن، جامعه‌پذیر می‌شود و در این فرآیند بر اساس تعلیم و تربیت صورت می‌گیرد، در غیر اینصورت برای مهار رفتارها و گرایشهای فردگرایانه و خودگرایانه افراد و همگام نمودن آنها با وجدان جمعی (هماندی)، استفاده از جبرهای اجتماعی لازم است. لیکن در این مرحله اگرچه جامعه دچار آسیبهای فردگرایانه یا خودگرایانه می‌گردد، اما هنجارها همچنان محکم و منسجم و با ثبات، رفتارهای افراد را شکل می‌بخشند. بنابراین، مشکل اصلی متوجه هنجارهای اجتماعی یا وجدان جمعی نمی‌باشد، در صورتیکه در مرحله بی‌هنجاری اجتماعی، هنجارهای اجتماعی یا وجدان جمعی، اعتبار و حیثیت خود را (مشروعیت) از دست داده، و جامعه دچار بحران می‌شود و فرد را به رفتارهای نابهنجار سوق می‌دهد.»<sup>۲۲</sup>

بنابراین می‌توان گفت «فرد از بدو تولد در معرض جامعه‌پذیری (جریان اجتماعی شدن) است، و در چندین نظام ارتباط اجتماعی (خانواده، مدرسه، دوستان، ...) شریک است. در تجربه این ارتباطات او بعنوان یک کنشگر اجتماعی اهل همکاری و مذاکره (تعارض آمیز) درباره عایدات و قواعد این همکاری، شکل می‌گیرد. تصور فرد از خودش، تعادل و ساختار شخصیتش به شیوه شکل‌گیری او بعنوان کنشگر اجتماعی بستگی دارد، بمحض آنکه مشارکتش در همکاری و مذاکره (بعنوان مکانیسمهای کنترل اجتماعی) رو به کاهش می‌گذارد، تعادل و ساختار شخصیتش دچار آسیب‌پذیری می‌گردد. چنانچه او را به بازی نگیرند و یا نتواند برای تغییر دادن قواعد بازی (همکاری اجتماعی) مداخله کند، بموجب گزینه واکنش دفاع از خود، گرایش می‌یابد که بدنیاال بازیهای دیگر (بعنوان گروههای مرجع) برود، یا بازیهای دیگری ابداع کند که در آنها

شریک ارتباطات اجتماعی تازه‌ای (بعنوان معاشرتهای ترجیحی) خواهد شد، که از او یک کنشگر اجتماعی معتبر در نظر شخص خودش خواهد ساخت.<sup>۲۳</sup>

## ۲-۲-۱ تئوری کنترل اجتماعی / نظارت اجتماعی

بطور کلی «کنترل اجتماعی را از مهمترین مباحث اجتماعی می‌دانند. بعضی تا آنجا پیش رفته‌اند که نه تنها تمامی جامعه‌شناسی بلکه علوم اجتماعی را مباحثی در حوزه کنترل اجتماعی می‌دانند. حقیقت این است که کنترل اجتماعی با اولین گامهای انسانها بسوی تکوین جامعه پدید می‌آید و هیچ جمع یا جامعه‌ای را از آن ابا نیست. از آنجا که جامعه یا گروه اجتماعی همواره در صدد است حتی ناپیدترین رفتار انسانی را در کنترل خویش در آورد، پس سخن نه در لزوم یا عدم لزوم کنترل اجتماعی است، بلکه در حدود آن، شیوه‌ها و روشهای اعمال شده از جانب جامعه در راه تحقق آن و انواع آن است. در واقع یکی از اساسی‌ترین شیوه‌های کنترل اجتماعی در راه تأثیر بهتر و مؤثر بر رفتار انسانها، آموزش رفتار اجتماعی از آغاز کودکی (روند اجتماعی شدن) است. با این شیوه هنجارها، قواعد و الگوهای اجتماعی در اعماق ذهن انسانها جای می‌گیرد و در اصطلاح، فرآیند درونی سازی هنجارهای اجتماعی تحقق می‌پذیرد. لذا هنگامی که خواسته‌های جامعه بدین طریق جزئی از وجود انسانها می‌گردد، اعمال آنان نیز با سادگی بیشتری صورت می‌پذیرد و انسانهایی که بدینسان هنجارها، قواعد و قوانین جامعه را اخذ می‌کنند، آنانرا به دل می‌پذیرند و حتی بنوعی فراگرد قداست بخشی نیز صورت می‌پذیرد.<sup>۲۴</sup>

بنابراین «کنترل اجتماعی، مجموع وسائل و شیوه‌هایی است که با استفاده از آنان یک گروه یا یک واحد اعضای خود را به پذیرش رفتارها، هنجارها، قواعدی در سلوک و حتی آداب و رسوم منطبق با آنچه گروه مطلوب تلقی می‌کند، سوق می‌دهد. در واقع کنترل اجتماعی یکی از اشکال فشار اجتماعی است و به دو وجه متفاوت صورت پذیر است: اول - از طریق اعمال اجبار اجتماعی که براساس آن افراد را به پذیرش شیوه‌های زندگی و مدل‌های رفتاری محیط، با کاربرد وسائل گوناگونی نظیر مجازاتهای حقوقی و تنبیه به جهت ارتکاب جرائم، وامی‌دارند. دوم - از طریق اقناع که براساس آن افراد را به انجام رفتارهایی یکسان مجبور می‌سازند و آنان را به پذیرش هنجارهای رفتاری با تکیه

بر آزادی و یا دست کم رعایت آن وادار می سازند. (این وسایل عبارتند از: تبلیغ، اعطای پاداش و اعتبار و مناصب و مقامات، تمجید و استعانت از ارزشهای اخلاقی)، بعبارتی کنترل اجتماعی جهت تنظیم حیات اجتماعی، به اعمال فشاری می انجامد که بهم پیوستگی و یکپارچگی گروه را بمناسبت الزامی بودن قواعد و هنجارها، موجب می آید.<sup>۲۵</sup>

اما چگونه در جامعه، نظم برقرار می شود و افراد وادار می شوند که قانون را مراعات کنند؟ چگونه اعضای یک سازمان با واحد خود همکاری می کنند؟ چه چیز موجب انسجام خانواده می شود؟ در تمامی این مراتب عام، یک امر ثابت ملحوظ است و آن این است که چگونه فرد خود را با هنجارهایی که بر او تحمیل شده اند، تطبیق می دهد و چگونه در برابر فشارهای گروهی یا در برابر توقعات و انتظارات هموعانش خود را سازگار می سازد؟ گاه می شود که تسلیم نیروهای خشن یا صورتهای منعطف تر فشار، الزام می شود، لیکن در اکثر موارد، کاری جز سازگاری و انطباق خود نمی کند. یعنی در واقع وجهه نظر خود را تغییر می دهد، از توقعات خود می گاهد، منابع رضایت و خوشنودی خود را جابجا می کند و نظایر اینکارها را انجام می دهد (نیاز به سازگاری یا میل به اجتناب از ناموزونی شناختی) تا از این طریق انسجام گروهی خود را حفظ نمایند. و تمام اینها بواسطه حضور مستقیم یا غیرمستقیم مکانیسمهای نظارت اجتماعی (نظیر خانواده، مدرسه، دوستان، وسائل ارتباط جمعی، ...) است، که بر رفتار افراد حاکم بوده و هنجارها را تنظیم می نمایند.<sup>۲۶</sup>

### ۳-۲-۱- تئوری نابهنجاری اجتماعی / آنومی

«مفهوم آنومی (نابهنجاری اجتماعی) از کلیدی ترین مفاهیم جامعه شناسی است، و این مفهوم را در معنای رفتاری بکار می برند که با قوانین و هنجارهای پذیرفته جامعه تباین داشته باشد. بطور کلی سه معنای متمایز از آن برمی آید: اول - بی سازمانی شخصیت، آنچنانکه فرد را منحرف و متهم در برابر قوانین سازد. دوم - شرائط و وضعی اجتماعی که در آن هنجارها در تنازع با یکدیگرند و افراد بسختی می توانند در برابر خواسته ها و توقعات متناقض محیط اجتماعی آشتی و سازگاری بعمل آورند. سوم - وضعی یا شرائطی اجتماعی که فاقد هنجار باشد. بنابراین زمانی بی هنجاری رخ می دهد



که شرائطی از قبیل: عدم جذب کامل افراد در درون نظام اجتماعی، کاهش قدرت هنجارها و قوانین بدلایلی نظیر انقلاب، دگرگونیهای تند، تنازع درونی هنجارها، و نظایر آن تحقق یافته باشد. بی هنجاری می تواند اشکالی بسیار گوناگون یابد و به نتایجی چند بیانجامد، نظیر نوآوری، طغیان، اصلاح طلبی و یا رفتارهای ضد اجتماعی، تنازع و عدم پذیرش هنجارها، و غیره. ۲۷ و ۲۸

بنا بر این «در وضعیت بی هنجاری، هنجارهای اجتماعی اقتدار آمرانه و جنبه مطلوب خود را به زور از دست داده و مدیریت اخلاقی لازمه را بر افراد نمی توانند اعمال کنند و در نتیجه افراد نمی توانند جهت رفتار خویش را تعیین کنند. در واقع بی هنجاری، وضعیت اجتماعی ویژه ای است که در آن هنجارها و معیارهای اجتماعی دچار پریشانی شده و با آنکه با یکدیگر ناهمساز گردیده و فرد برای هماهنگ شدن با آنها دچار سردرگمی و سرگشتگی می شود. لذا فرد در وضعیت بی هنجاری قرار می گیرد که بدرون خویش خود پناه برده و بدبینانه همه پیوندهای اجتماعی را نفی می کند. در نتیجه کلیه اختلالات، نابسامانیها، کج رفتاریها و آسیبهای اجتماعی، پیامد بی هنجاری، بیگانگی و بازبینی، نظارت و کنترل اجتماعی ناکافی می باشد. به عبارت دیگر مسائل اجتماعی چون خودکشی، اعتیاد، بزهکاری و نظایر آن پیامد بیگانگی و بی هنجاری و نظارت ناکافی بر گروههایی است که با یکدیگر در نظام اجتماعی رقابت می کنند و تعادل اجتماعی را دستخوش آشوب و فرد را دچار آشفتگی می سازد.» ۲۹

#### ۴-۲-۱- تئوری نیازها

بطور کلی «نیاز، احساس فقدان یا حرمانی است که به یک موجود زنده (به خصوص انسان آگاه) به جهت آنکه در جریان تحقق اهدافش خود را فاقد چیزی می بیند، دست می دهد. این احساس که می تواند جهاتی آسیب می یابد، موجب تمایل به هر آنچه می شود که امکان ارضای نیاز را فراهم می سازد.» ۳۰

«انسان بعنوان یک موجود طبیعی، دارای خصوصیتی است که او را از حیوانات متمایز می نماید. او برعکس حیوانات، به علت کمبود یا فقر غریزه از بدو تولدش بکمک دیگر انسانها محتاج است. اما این محتاج بودن تنها شامل تغذیه، لباس و مسکن نمی شود، بلکه او یک نیاز اساسی دیگر نیز دارد که می بایست بکمک و بوسیله دیگران

آنها ارضاء نماید و عموماً به این نیاز اساسی کمتر توجه می‌شود. او نیازمند به تماس، محبت، درد دل، ... و یا بعبارت دقیقتر نیازمند به روابط اجتماعی است که بدون آن قادر به زندگی نیست. بنابراین فرد از بدو تولدش بکمک دیگران نیازمند است. در آغاز، خانواده بعنوان یک واحد جامعه بکمک او می‌شتابد، اما خانواده نیز پیر و فطرتش، در خود میل و نیاز کمک به فرد را احساس می‌کند که این خود یکی از علل پیدایش زندگی اجتماعی است، لیکن خانواده به فرد کمک نمی‌کند، بلکه انتظاراتی نیز از او دارد که برای یک زندگی اجتماعی با دیگر انسانها لازم بنظر می‌رسند. بدین معنی که فرد می‌بایست بتدریج ارزشها، قواعد و هنجارهای آن جامعه را بیاموزد و باصطلاح درونی کند (اهلی شود). نیازهای غیراجتماعی و نامشخص او نیز می‌بایست کانالیزه شده و شکل اجتماعی به خود بگیرند، لذا اینکار از طریق هدایت و ارشاد، تشویق و توبیخ و یا مجازاتهای باصطلاح مثبت و منفی بطور مستقیم یا غیرمستقیم (بعنوان مکانیسمهای کنترل اجتماعی) از سوی جامعه و اعضای آن (بعنوان مبادله اجتماعی) انجام می‌گیرد. بدین ترتیب از برخی نیازها که مورد قبول جامعه نیستند، اجباراً یا کاملاً چشم‌پوشی شده و یا گاه با برخی از نیازهای جامعه پسند تعویض، و یا شکل و روش ارضای آنها با هنجارهای اجتماعی تطبیق داده می‌شوند و بصورت عادت درمی‌آید. یعنی انسانها همواره در پی آنند که نیازهای خود را با اکثریت افراد جامعه و هنجارهایی که آنها دارند تطبیق دهند (همرنگی و همشکلی و بهنجاری اجتماعی). از اینجاست که تحول و پویایی نیازها یعنی احساس نیازمندی (احساس عدم رضایت) در انسانها بوجود می‌آید.

اما جامعه فقط کارش این نیست که مانع بروز نیازها شود (بواسطه فشار هنجاری) بلکه برعکس او خود نیازهایی را تولید می‌کند. بدین معنا که انسانها در روابط اجتماعی و کنشهای متقابل خود با محیط (گروه همالان، رسانه‌های جمعی، و نظایر آن) افرادی را بعنوان سرمشق (گروههای مرجع) پیدا می‌کنند و خود را درجای آنها احساس کرده و با آنها همانند نموده (همانندی و همشکلی)، و رفتارشان را تقلید می‌کنند و از این طریق (در پی مقایسه با دیگران) در آنها احساس نیازهای جدید بوجود می‌آید. این تقلید ممکنست مورد تشویق دیگر اعضای جامعه واقع شود و یا با وصف مخالفت و مجازات آنها بطور مخفی انجام پذیرد، و همین سرمنشاء بسیاری از رفتارهای نابهنجار یا باصطلاح انحرافات اجتماعی است. بنابراین اشاعه نیازها خود علت اساسی انحرافات

اجتماعی است.<sup>۳۱</sup>

بنابراین «بسیاری از اوقات نیازها در پی مقایسه با دیگران بوجود می‌آید، مخصوصاً در شرائط رقابت، افراد یا گروه‌های مرجع (یعنی افراد و گروه‌هایی که انسان خود را با آنها مقایسه می‌کند) می‌توانند خواسته‌های جدیدی در انسان برانگیزند. در واقع وقتی فرد یک وسیله‌ارضای نیاز را ببیند و ادراک کند، و ببیند که دیگران آن وسیله را در اختیار دارند، او نیز میل به داشتن آن کند، اما امکان بدست آوردن آنرا نداشته باشد، این احساس بی‌عدالتی نسبی یا محرومیت نسبی، ممکنست بتدریج موجب بغض، حسادت و عکس‌العمل‌های عاطفی (مثل تعویض شغل، خودکشی، ...) شود، و در صورت فقدان کنترل اجتماعی، رفتارهای نابهنجار دیگر (مانند دزدی، کارشکنی، ...) را در پی داشته باشد. ضمناً این احساس در منتهی درجه به احساس تضاد اجتماعی می‌انجامد و عکس‌العمل‌های شدید اجتماعی (مانند انقلاب) را در پی خواهد داشت.<sup>۳۲</sup>

#### ۵-۲-۱- تئور مبادله اجتماعی

در اصطلاح «مبادله، عملیاتی است که از طریق آن شخص یا گروهی خدمت یا کالائی را به گروه یا شخصی دیگر در مقابل دریافت کالا یا خدمتی هم‌ارز، تسلیم می‌دارد. هر یک از طرفین مبادله امتیازی می‌یابد، چه بنظرش کالائی که دریافت داشته حائز ارزش مبادله‌ای بیشتری نسبت به آنچه تسلیم داشته، می‌باشد. در معنای مجازی نیز بهنگام بیان صوری از ارتباطات اجتماعی بین انسانها یا بحث از روابط متقابل بین افراد یا گروهها، در سطح حیات فکری یا عاطفی، باز سخن از مبادله بمیان می‌آید. بطور کلی مبادله پایه و اساس زندگی در جامعه است، لذا با تکمیل روابط متقابلی که از طریق مبادله صورت می‌گیرد، هرواحد یا هر جزء از حیات اجتماعی از خدمات و کالاهائی که دیگران توان ارائه آنرا دارند، برخوردار می‌شود.<sup>۳۳</sup>

بطور کلی «افراد آرزوها و اهداف شخصی روشنی برای خود دارند، هرکسی ممکن است به چیزهائی نیاز داشته باشد، اما این نیازها، اهداف مشترک نیستند، لذا خواسته و اهداف شخصی و منحصر بفرد افراد، انگیزه‌های خودخواهانه‌ای به آنان می‌دهد، و اگرچه فرهنگ نیز در این انگیزش دارای نقش می‌باشد، در عین حال انگیزه‌ها در جهت دستیابی به کالاها، لذات و رضایت خواسته شده، سوق داده می‌شوند، در واقع افراد براساس

خودخواهی به کنش می پردازند تا به لذت یا رضایت مطلوب خود برسند، لیکن هرکسی در ازای آنچه می گیرد چیزی باید بدهد، بعبارت دیگر اگر رضایت متقابل وجود نداشته باشد، هیچ تعامل اجتماعی صورت نخواهد گرفت. معهذاً در این بده بستان همیشه دریافت پاداش متضمن هزینه (کوششی که صرف حصول رضایت و پاداشهای بالقوه‌ای شده که در نتیجه یک انتخاب معین و کنار گذاشتن انتخابهای دیگر از دست رفته) است. بنابراین رفتار روزمره مردم پاسخی به خواسته و محاسبه فردی است و کنشگران در انتخابهای خود (در مقایسه میان پاداشها و هزینه‌های کنشهای بدیل) از آزادی زیادی برخوردارند. اما قویترین انگیزه یا پاداش مشترک در این تعامل، تائید اجتماعی است و بنظر می‌رسد مردم در زندگی روزمره خود در جستجوی مطلوب واقع شدن هستند و از آن در روابط اجتماعی خود لذت می‌برند، لذا اشخاصی را که دوست دارند و تائید می‌کنند، ترجیح می‌دهند (معاشرتهای ترجیحی) و از کسانی که منتقدشان هستند و آنها را خطاکار می‌پندارند می‌پرهیزند. با در نظر گرفتن تائید اجتماعی بعنوان یک پاداش عمومی، می‌توان پیش بینی کرد که میزان تائید اجتماعی متقابل (نیاز به پذیرش اجتماعی) میان کسانی که آزادانه و بطور منظم با یکدیگر همکاری دارند بالاست. ۳۴ و ۳۵

در واقع اینکه برخی اشخاص دچار رفتار نابهنجار می‌شوند، اینگونه رفتار ناشی از تقویت‌کننده‌های ثانوی است. مثلاً ناکامی از ارضای نیازها موجب بروز رفتار پرخاشگرانه می‌شود، از اینرو آرزوی دستیابی به امتیازات هم‌نوائی با دیگران انگیزه رفتار نابهنجار است، چرا که بر اثر فقدان عدالت توزیعی، و عدم ارضای انتظار پاداش، نارضایتی و مخالفت با هنجارهای جامعه (هنجار شکنی و نابهنجاری) و سپس کجرفتاری و انحرافات اجتماعی را بدنبال خواهد داشت. ۳۶

### ۳-۱- خلاصه بحث تئوریک (فرضیه‌های تحقیق)

در یک نظام اجتماعی افراد با یکدیگر و علیه یکدیگر عمل می‌کنند، و هر فرد در رفتار خود توقعات دیگران را در نظر می‌گیرد، هنگامی که انتظارات متقابل بدرستی تعریف شده و پایدار بمانند (معیارها و هنجارها)، هر فرد همچنین انتظار دارد که دیگران نیز نسبت به آنچه او انجام می‌دهد، بازتاب نشان دهند (الزامات و مقررات). از

اینرو وقتی افراد بر اساس این معیارها و مقررات عمل می کنند، در واقع نقشهای اجتماعی خود را ایفا می کنند و هرگاه در یک نهاد اجتماعی (مجموعه ای از نقشهای اجتماعی کم و بیش پایدار) یا حتی در یک جامعه بواسطه نابرابری اجتماعی و تضاد طبقاتی، نظام ارزشها و هنجارهای اجتماعی از هم پاشیده شود، بی هنجاری اجتماعی (آنومی) بوجود می آید. بدین ترتیب دو وضع کاملاً متضاد و ناموزون پیش می آید، یکی وقتی است که نهادهای اجتماعی بقوت خود باقیمانده و معیارها و ضوابط هنوز حاکم بر رفتار و کردار مردم است و دیگری وقتی است که نظام ارزشها از هم پاشیده و شرایط نابهنجاری پدیدار می شود. بنابراین در نظام اجتماعی، مقررات و قوانین اجتماعی دارای تعادل پیچیده ای اند که این تعادل اجتماعی بدو طریق حفظ می شود یکی جریان اجتماعی شدن یا جامعه پذیری (شامل اکتساب انگیزه هائی برای کنشهایی که ضروری یا مورد انتظار است)، و دیگری جریان کنترل اجتماعی یا نظارت اجتماعی (شامل تمام شیوه هایی که افراد جامعه را در جای خود قرار می دهد)، و هرگاه در یکی از این دو روش به واسطه شرایط خاص اقتصادی، اجتماعی، روانی یا زیستی اخلال یا قصوری رخ دهد، جامعه دچار کج رفتاری اجتماعی خواهد شد.<sup>۳۷</sup>

در خاتمه می توان فرضیه های ذیل را با توجه به چهار چوبهای تئوریک مطرحه

جهت تبیین مسئله (میزان جرم و انحرافات اجتماعی) استنتاج نمود:

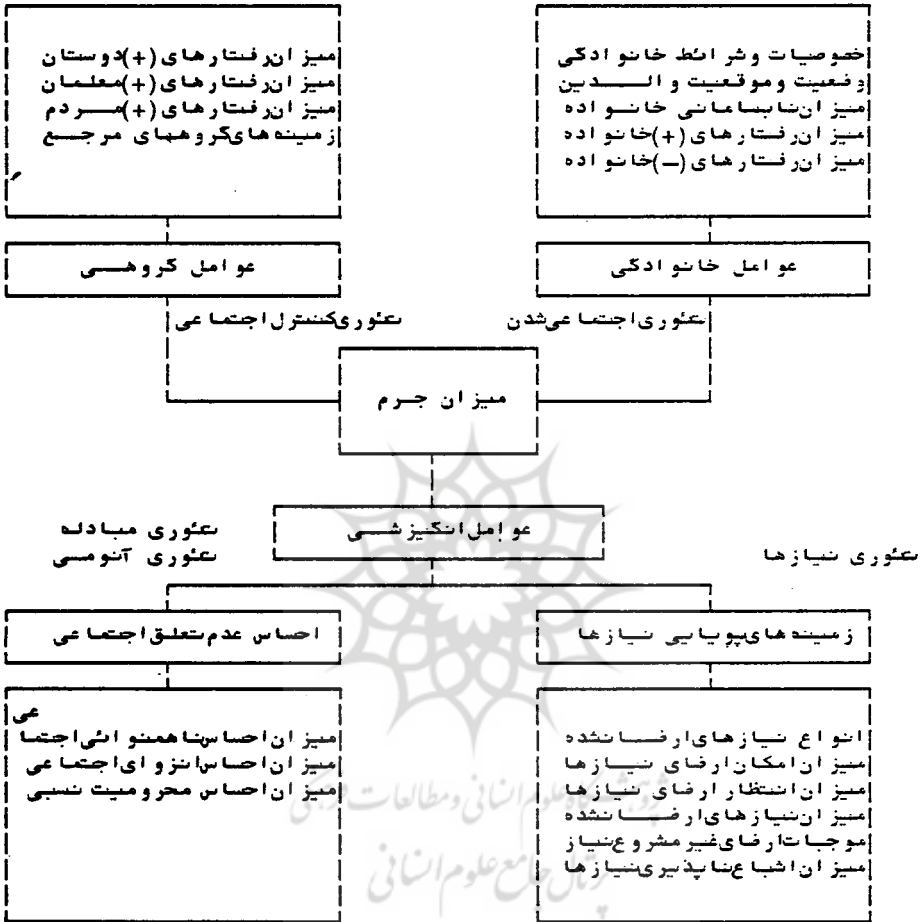
شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

<p>۱- عوامل خانوادگی (خصوصیات خانواده / رفتار والدین) (تئوری اجتماعی شدن یا جامعه پذیری - دورکم / پارسنز / مید / کولی)</p>
<p>. خصویات و شرایط کنی خانوادگی . وضعیت و موقعیت والدین در خانواده . میزان رفتارهای (مثبت و منفی) والدین . میزان تابسانانی یا عدم انسجام خانواده</p>
<p>۲- عوامل گروهی (رفتار جمعی : دوستان / مدرسه / مردم) (تئوری کنترل اجتماعی یا نظارت اجتماعی - پارسنز / دورکم / پارک / بلومر)</p>
<p>. میزان رفتارهای مثبت دوستان . میزان رفتارهای مثبت مربیان مدرسه . میزان رفتارهای مثبت مردم اهل محل . زمینه گروههای مرجع یا منابع ارزشگذار</p>
<p>۳- عوامل انگیزی (نیازها / انتظارات / احساسات) (تئوری نیازها و مبادله و آتومی - مازلو / هومنز / مرتن / دورکم)</p>
<p>- زمینه های پویایی نیازها . انواع نیازهای ارضاننده (نوع نیازها / نوع مشکلات) . میزان امکان ارضای نیازها (نیاز به حل مشکلات / میزان امیدواری) . میزان انتظار ارضای نیازها (میزان نیاز به پذیرش اجتماعی) . موجبات ارضای غیر مشروط و عسببها (اشاعه نیازها / رفتار تبلیهتجار) . میزان اشباع عیب پذیری نیازها (احساس نیاز / میزان احساس عدم رضایت) . میزان نیازهای ارضاننده (میزان مشکلات) - زمینه های احساس عدم تعلق اجتماعی . میزان احساس عدم همنوایی اجتماعی . میزان احساس تنزوی اجتماعی . میزان احساس محرومیت نسبی در زندگی</p>

ما بعداً خواهیم دید که مفروضات فوق تا چه حد در این تحقیق تأیید یا رد خواهند شد، و یا بعبارتی تا چه حد این عوامل بر میزان جرم و بزهکاری تأثیر دارند یا بی تأثیر می باشند. بنابراین لازم است از بعد روشی، متغیرها، و معرفهای مربوط به هر کدام از این عوامل ذکر گردد، تا تبیین آماری و تئوریکی مسئله مورد پژوهش، میسر گردد.

عوامل و مستغیرهای مورد بررسی



۲- روش تحقیق

روش بررسی تجربی یک مسئله (پس از تعریف و تعیین چهارچوب تئوریک) ابتدا به عوامل به هم وابسته ذیل بستگی دارد:  
اول- اطلاعات درباره جامعه آماری و وضعیت و شرایط آنها  
دوم- چهارچوب عملی تحقیق در ارتباط با تئوری و تعیین متغیرها و عوامل مؤثر

## مورد بررسی

سوم- روش مناسب برای بررسی چهارچوب و متغیرهای فوق  
چهارم- یافتن معرفهای مناسب برای متغیرها (براساس ارزشهای حاکم بر جامعه آماری)

پنجم- تهیه تکنیک‌های مناسب برای سنجش معرفها

ششم- تعیین حجم و شیوه نمونه، ۳۸

در این تحقیق نیز ما سعی داریم طبق روال فوق پس از ارائه مشخصات و شرایط کلی جامعه آماری، چهارچوب و متغیرهای مورد بررسی و روش مناسب برای سنجش عوامل مؤثر بر بزهکاری و انحرافات اجتماعی را با توجه به ضوابط و شرایط کلی جامعه آماری، پرسشگران و پاسخگویان، بازگو نماییم.

## ۲-۱- مشخصات و شرایط کلی جامعه آماری

از آنجا که در نظر است عوامل مؤثر بر بزهکاری و ارتکاب جرم، در یک مجتمع متمرکز یعنی کانون اصلاح و تربیت اطفال بزهکار انجام پذیرد، لذا در ذکر مشخصات و شرایط کلی جامعه آماری می‌توان گفت این کانون اصطلاحاً در سیستم کیفری، مرکزی است که نگهداری، تهذیب و تربیت اطفالی را که برحسب مقررات توسط سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی، به آن سپرده می‌شود، برعهده می‌گیرد. کانون مذکور از سه قسمت مجزا تشکیل می‌شود: ۱- قسمت نگهداری موقت ۲- قسمت اصلاح و تربیت ۳- زندان. لذا هر یک از قسمتهای فوق از یکدیگر مجزا بوده و در قسمت اطفال برحسب سن و سابقه ارتکاب جرم و حتی الامکان از نظر نوع جرم ارتکابی و درجه تربیت پذیری، طبقه‌بندی خواهند شد. این کانون در تهران، انتهای کوی کن (شهر زیبا) تشکیل شده که دارای مراکز اداری، خوابگاه، کارگاه، بهداری، مددکاری، مدرسه، سالن ورزش، آشپزخانه، حمام، استخر و کتابخانه می‌باشد، که کاملاً جامع نمونه آماری این تحقیق محسوب می‌گردد.

## ۲-۲- تحقیقات مقدماتی

در مرحله مقدماتی تحقیق، ابتدا پرسشنامه تهیه شده بطور آزمایشی مورد استفاده



قرار گرفت تا از این طریق نقاط قوت و ضعف پرسشنامه، مورد بازبینی قرار گیرد. لازم به ذکر است که این مطالعه مقدماتی نه تنها از لحاظ ساخت پرسشنامه حائز اهمیت بود، بلکه از نظر ایجاد رابطه با پاسخگویان نیز تجربه جالبی را در برداشت، و این امر همچنین کمک شایان توجهی در تسریع ارتباط با پاسخگویان در تحقیقات اصلی بشمار می آید.

### ۲-۳- چهارچوب و متغیرهای مورد بررسی

بر اساس اطلاعات کسب شده در تحقیقات مقدماتی و در قالب تئوریهای مطرحه، عوامل و متغیرهای مؤثر بر میزان جرم که قابل بررسی تجربی بودند به سه بخش عمده تفکیک شدند:

#### اول- عوامل خانوادگی (خصوصیات خانواده / رفتار والدین)

- خصوصیات و شرائط کلی خانوادگی
  - . محل زندگی و سکونت خانواده
  - . مشخصات سنی و تحصیلی پاسخگویان
  - . مشخصات سنی و تحصیلی و شغلی والدین
- وضعیت و موقعیت والدین در خانواده
  - . وضعیت والدین در زندگی زناشویی
  - . موقعیت والدین نسبت به فرزندان
- وضعیت رفتارهای والدین در خانواده
  - . میزان رفتارهای مثبت والدین نسبت به فرزندان
  - . میزان رفتارهای منفی والدین نسبت به فرزندان
- وضعیت نابسامانی یا عدم انسجام خانواده
  - . میزان ازهم گسیختگی و اختلالات خانواده

#### دوم- عوامل گروهی (رفتار جمعی : دوستان / مدرسه / مردم)

- وضعیت رفتارهای دوستان
  - . میزان رفتارهای مثبت دوستان نسبت به پاسخگویان
- وضعیت رفتارهای مربیان مدرسه
  - . میزان رفتارهای مثبت مربیان مدرسه نسبت به پاسخگویان
- وضعیت رفتارهای مردم اهل محل
  - . میزان رفتارهای مثبت مردم اهل محل نسبت به پاسخگویان
- وضعیت گروههای مرجع یا منابع ارزشگذار
  - . زمینه گروههای مرجع یا منابع ارزشگذار نزد پاسخگویان

سوم - عوامل انگیزشی (نیازها / انتظارات / احساسات)

- زمینه‌های پویایی‌نیازها
- انواع نیازهای ارضاننده
- . نوع‌نیازها / نوع‌مشکلات پاسخگویان
- وضعیت مکان ارضایی‌نیازها
- . نیازبه‌حل‌مشکلات/ میزان امیدواری در حل‌مشکلات
- وضعیت انتظار ارضایی‌نیازها
- . نیاز به‌روابط‌اجتماعی/ میزان نیازبه‌پذیرش‌اجتماعی
- موجب‌تارضای‌غیر‌مشروع‌نیازها
- . اشاعه‌نیازها / رفتارنا‌به‌نجار / انحراف‌اجتماعی
- وضعیت‌اشباع‌نا‌پذیری‌نیازها
- . احساس‌نیاز / میزان احساس‌عدم‌رضایت‌از‌کانون
- وضعیت‌نیازهای‌ارضاننده
- . میزان‌مشکلات‌پاسخگویان
- زمینه‌های احساس عدم‌تعلق‌اجتماعی
- وضعیت عدم‌همنوایی‌اجتماعی
- . میزان احساس عدم‌همنوایی‌اجتماعی‌در‌جامعه
- وضعیت انزوای‌اجتماعی
- . میزان احساس‌انزوای‌اجتماعی‌در‌جامعه
- وضعیت محرومیت‌نسبی‌در‌زندگی
- . میزان احساس محرومیت‌نسبی‌در‌زندگی

۴-۲- روش مناسب برای سنجش اهداف تحقیق

پس از تعیین چهارچوب و متغیرهای مورد بررسی، می‌بایست روشی جستجو شود که تحت شرایط موجود و براساس تجربیات مکسبیه در تحقیقات مقدماتی مناسب بنظر رسد، لذا روش پرس و جو (مصاحبه با پرسشنامه) جهت سنجش عوامل مؤثر بر بزهکاری و انحرافات اجتماعی (میزان جرم) مدنظر قرار گرفت.

لازم بذکر است این روش (مصاحبه کتبی) می‌تواند تأثیر مثبتی بر روی مشارکت و ابراز نظر پاسخگویان داشته باشد، زیرا آنان احساس می‌کنند که در بیان نظرات خود شرکت دارند و خود آنها سرنوشتشان را تعیین می‌کنند، لذا پاسخگویان از اینکه بدین‌صورت می‌توانند آزادانه اظهارنظر نمایند سعی می‌کنند پیشنهادات و انتقادات خود را بطور صادقانه ارائه دهند. ضمناً در روش مصاحبه می‌بایست بعد زمان و مکان را کاملاً در نظر داشت یعنی با توجه به مکان مورد مصاحبه (فضای باز یا فضای بسته، تعداد افراد داخل اطاق در مصاحبه) سعی شد در یک مدت کوتاه مصاحبه با پاسخگویان به‌اتمام رسد، تا اولاً از انتقال سئوالات به سایر پاسخگویان و ترس احتمالی آنان برای مصاحبه، و

ثانیاً از عکس‌العمل سایرین جهت هم‌شکلی پاسخهای آنان، جلوگیری بعمل آید، در ضمن در تحقیقات مقدماتی و نهائی مشخص شد که بطور متوسط هر مصاحبه بمدت چهل و پنج دقیقه بطول می‌انجامد که این امر از آن جهت که بکمک طیفهای مدرج بر روی کارتهای تهیه شده انجام می‌گرفت و از طرفی تنوع سئوالات و از همه مهمتر سنخیت موضوع با مشکلات، نظرات، نیازها و ارزشهای پاسخگویان، خستگی و دلسردی آنان را کاهش می‌داد.

#### ۵-۲- تحقیقات اصلی

از آنجا که کانون اصلاح و تربیت اطفال بزهکار (تهران) بعنوان جامعه آماری تحقیق تعیین گردیده بود لذا تعداد ۱۶۴ نفر بعنوان نمونه، انتخاب و جهت مصاحبه معرفی شدند. بنابر ضوابط اصلی برای انتخاب این جامعه نمونه آماری، اولاً ارزیابی میزان بزهکاری و ارتکاب جرم، ثانیاً میزان تفاوت ارزشهای پاسخگویان، ثالثاً میزان عوامل مؤثر بر بزهکاری و انحراف اجتماعی، رابعاً تنوع مشکلات نوجوانان و ادراک آنان از مشکلات و میزان دسترسی آنان در رفع این مشکلات سرلوحه کار قرار داشت. بنابراین پاسخگویان از پسران بزهکار مستقر در کانون که دارای سنین کمتر از ۱۸ سال، اعم از بیسواد و باسواد، و تنوع سابقه جرم، بکمک مرکز تحقیقات و مطالعات جرم‌شناسی (وابسته به سازمان زندانها و اقدامات تأمینی کشور) و همچنین مددکاران اجتماعی مستقر در کانون، انجام گرفته است، و جهت مصاحبه به پرسشگران (دانشجویان رشته پژوهش اجتماعی گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی) معرفی گردیده‌اند.

#### ۶-۲- استخراج نتایج

پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، اطلاعات موجود ابتدا بصورت خام و بدون طبقه‌بندی در جداول مادر، استخراج گردیده و سپس به همانصورت وارد کامپیوتر (pc) شدند تا جهت استفاده از برنامه spss بر روی این اطلاعات از طریق آزمونهای آماری، رد یا قبولی فرضیات با توجه به چهارچوب تئوریکي مطروحه، مورد بررسی قرار گرفته و بکمک تحلیلهای آماری تأثیر و تأثر هر کدام از متغیرها بر یکدیگر و بر مسئله تحقیق یعنی میزان جرم (احتمال بزهکاری و انحراف اجتماعی)، توضیح و تفسیر گردد. لذا بمنظور بررسی

روابط بین متغیرها (با توجه به سطح مقیاس هریک از آنها) آزمونهای ذیل بکار گرفته شده است:

- ضریب همبستگی پیرسون (r) در سطح سنجش متغیرهای فاصله‌ای و نسبی.
- ضریب همبستگی اسپرمن (rs) در سطح سنجش متغیرهای ترتیبی.
- ضریب همبستگی اتا (Eta) در سطح سنجش یک متغیر فاصله‌ای با متغیرهای اسمی یا ترتیبی.
- ضریب همبستگی گاما (&) در سطح سنجش متغیرهای ترتیبی متقارن در آزمون کای اسکور.
- ضریب همبستگی کرامرز (V) در سطح سنجش متغیرهای اسمی متقارن در آزمون کای اسکور.

درخاتمه جهت اخذ همبستگی بین کلیه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (در سطح سنجش فاصله‌ای) از تحلیل رگرسیون چند متغیری (R) استفاده شده که این امر جهت تشکیل مدل‌های علی مورد نظر بکار گرفته می‌شود. اما قبل از ساختن مدل‌های همبستگی به دو نکته مهم پرداخته می‌شود:

اول - روائی گویه‌های مربوط به یک متغیر (شاخص‌سازی) از طریق تحلیل قابلیت اعتماد یا ضریب آلفا کرونباخ (Alpha).

دوم - اعتبار روابط علی بین متغیرها از طریق کنترل آماری متغیرها، یعنی کنترل و تفکیک متغیرهای مستقل، پیرامون بررسی تأثیر کلیه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به کمک: همبستگی جزئی یا تفکیکی و همبستگی پاره‌ای یا نیمه تفکیکی، جهت تحلیل مسیر در مدل‌های علی.

ضمناً در تمام این ضرایب آماری، سطح معنی‌داری جهت همبستگی متغیرها، کمتر و مساوی ۵% ( $p < 0.05$ ) می‌باشد، که از طریق آزمون تی استیودنت (T)، و آزمون فیشر (F) (آزمونهای معنی‌دار بودن ضرایب همبستگی)، با حداقل ۹۵% اطمینان بدست می‌آید. (\*  $0.05$  = معنی‌دار، \*\*  $0.01$  = زیاد معنی‌دار، \*\*\*  $0.001$  = بسیار زیاد معنی‌دار). (۳۹/۴۰/۴۱/۴۲).

### ۳- نتایج و یافته‌ها

در اینجا، ابتدا میزان جرم (ارتکاب انحراف اجتماعی / رفتار نابهنجار) تشریح و سپس عوامل مؤثر بر میزان جرم بررسی می‌گردند.

#### ۱-۳- سنجش میزان جرم (ارتکاب انحراف اجتماعی)

##### ۱-۱-۳- تعریف مفهومی:

بطور کلی انحرافات اجتماعی به رفتاری اطلاق می‌شود که با موازین مورد قبول یک جامعه یا گروه ناسازگار است. و یا بعبارتی دارای کارکرد نامناسب و در جهت نقض قواعد یا موازین اجتماعی است. لذا برحسب درجه اهمیتی که موازین اجتماعی برای نوع انحراف قائل است، عکس‌العمل شخص منحرف متفاوت بوده و به درجات گوناگون روی زندگی او تأثیر می‌گذارد تا جایی که برخی از انحرافات از حد متعارف تجاوز کرده، و به صورت جرم و بزهکاری (آشکارترین اشکال انحراف) درمی‌آیند. که بنوبه خود تحت تأثیر عوامل مختلف صورت گرفته‌اند، بنابراین مجموعه جرائمی که در زمان و مکان معینی بوقوع می‌پیوندد، بزهکاری نامند، که در صورت ارتکاب، بموجب قوانین حاکم بر جامعه دارای مجازات هستند.<sup>۴۳</sup>

##### ۲-۱-۳- تعریف عملیاتی:

بطور کلی مجموعه جرائمی که در زمان و مکان معینی بوقوع می‌پیوندد بزهکاری می‌نامند که در صورت ارتکاب، بموجب قانون دارای مجازات هستند که این مجازات می‌تواند با توجه به دفعات ورود به زندان، دفعات تکرار جرم، زمان شروع جرم، و مدت اقامت و محکومیت مجرم، مورد ارزیابی قرار گیرد. چرا که هرچه موارد مذکور افزایش یابد میزان جرم نیز بیشتر می‌گردد و بالعکس. لذا دزاین تحقیق نیز از این معرفیها جهت ساخت میزان جرم استفاده می‌گردد. نحوه سنجش این معرفیها نیز در پرسشنامه بصورت سؤال باز و بدین ترتیب بوده است:

- چندبار اینجا (کانون) آمده‌ای؟

- این دفعه چندمت بود که به اینکار (جرم) دست می‌زدی؟

- از کی اینکار (جرم) را عملاً شروع کرده‌ای؟

- چند وقت به اینکار (جرم) مشغول بودی؟

- در اینجا چقدر (محکومیت یا اقامت) برایت بریده‌اند؟

که پاسخها در سطح فاصله‌ای استخراج و مورد استفاده در اخذ ضرایب همبستگی قرار گرفته‌اند، معهدا جهت ترسیم طبقه‌بندی آن بصورت یک طیف از نظر می‌گذرد تا کلیت موضوع تفهیم گردد (جدول شماره یک و دو).

جدول ۱- توزیع معرفهای میزان جرم

سئوالات	طبقات	زیاد و خیلی زیاد	تا حدودی	کم و خیلی کم	جمع
دفعات ورود به کانون	۲ ۱/۲	۱۹ ۱۱/۶	۱۲۳ ۸۷/۲	۱۶۴ ۱۰۰	
دفعات تکرار جرم	۴ ۳۴/۴	۲۰ ۱۲/۲	۱۰۴ ۶۳/۴	۱۶۴ ۱۰۰	
زمان شروع جرم	۴۶ ۲۸/۱	۲۵ ۱۵/۲	۹۳ ۵۶/۷	۱۶۴ ۱۰۰	
مدت ارتکاب جرم	۳۳ ۲۰/۱	۹ ۵/۵	۱۳۲ ۷۴/۴	۱۶۴ ۱۰۰	
مدت اقامت یا محکومیت	۵۹ ۳۶/۱	۵۵ ۳۳/۵	۵۰ ۳۰/۵	۱۶۴ ۱۰۰	
میانگین طبقات	۳۶ ۲۲/۱	۲۶ ۱۵/۸	۱۰۲ ۶۲/۲	۱۶۴ ۱۰۰	

از تعداد ۱۶۴ نفر پاسخگویان که منجر به ارتکاب رفتار نابهنجار یا انحراف اجتماعی گردیده‌اند، جهت تبیین میزان جرم، سئوالاتی در این خصوص ایراد گردیده است، که بطور متوسط بیشترین توزیع این میزان را کم و خیلی کم (۶۲/۲٪) نشان می‌دهد، و از این لحاظ: دفعات ورود به کانون (۸۷/۲٪)، دفعات تکرار جرم (۶۳/۴٪)، زمان شروع جرم (۵۶/۷٪) مدت ارتکاب جرم (۷۴/۴٪)، و مدت اقامت یا محکومیت (۳۰/۵٪) را در طبقه کم و خیلی کم، به خود اختصاص می‌دهند.

بررسی عوامل مؤثر در انحرافات اجتماعی / ۳۵

جدول ۲- ماتریس همبستگی بین معرفهای میزان جرم

میزان جرم	مدت اقامت	مدت ارتکاب	زمان شروع	دفعات تکرار	دفعات ورود	معرفهای میزان جرم
+۰/۳۳ ***	+۰/۲۴ **	+۰/۳۱ ***	+۰/۲۵ **	+۰/۲۲ **	۱	دفعات ورود به کانون
+۰/۶۴ ***	+۰/۱۲ (*)	+۰/۶۵ ***	+۰/۶۳ ***	۱	+۰/۲۲ **	دفعات تکرار جرم
+۰/۸۸ ***	+۰/۲۹ ***	+۰/۸۰ ***	۱	+۰/۶۳ ***	+۰/۲۵ **	زمان شروع جرم
+۰/۸۴ ***	+۰/۲۳ **	۱	+۰/۸۰ ***	+۰/۶۵ ***	+۰/۳۱ ***	مدت ارتکاب جرم
+۰/۶۴ ***	۱	+۰/۲۳ **	+۰/۲۹ ***	+۰/۱۲ (*)	+۰/۲۴ **	مدت اقامت یا محکومیت
Alpha ۰/۶۴	+۰/۳۹	+۰/۹۱	+۰/۹۰	+۰/۸۱	+۰/۴۴	تحلیل عامل (آنالیز فاکتور)

همانطوری که از ماتریس فوق برمی آید، علاوه بر اینکه یک همبستگی درونی بین معرفهای مربوط به متغیر میزان جرم (متغیر وابسته) محسوس است، در ضمن این معرفها با خود میزان جرم نیز از همبستگی نسبتاً قوی برخوردار است، چنانکه ضریب روانی یا قابلیت اعتماد این معرفها (۰/۶۴ = ضریب آلفا) نیز در حد قابل قبول می باشد.

۲-۳- عوامل مؤثر بر میزان جرم

همانطور که در فصل مربوط به چهارچوب تئوریکی اشاره شد، عوامل معدودی (بعنوان متغیرهای مستقل) بر روی میزان جرم (متغیر وابسته) تأثیر خواهند داشت. بدین منظور این عوامل در سه بخش: عوامل خانوادگی، عوامل گروهی، عوام انگیزشی، ارائه می گردند:

## ۳-۲-۱- عوامل خانوادگی (خصوصیات خانواده / رفتار والدین)

## ۳-۲-۱-۱- تعریف مفهومی:

جریان اجتماعی شدن یا جامعه پذیری شامل اکتساب انگیزه‌هایی برای کنشهایی که ضروری یا مورد انتظار است، می‌باشد. این روند به‌جا افتادن ارزشها و مهارتها در فرد اشاره دارد، تا اشخاصی که نقشهای اجتماعی را اشغال می‌کنند معرفت کافی بیابند به‌اینکه چه چیزی از آنها انتظار می‌رود و چگونه باید عمل کنند، بعلاوه همین انتظار را از سایر مردم داشته باشند و بخواهند که آنها نیز بدین ترتیب عمل کنند. در واقع خصلت اجتماعی انسان هرچند دارای پایه‌های زیستی است ولی بُعدی آگاهانه می‌یابد و مورد تعمق و اندیشه انسان قرار می‌گیرد، لذا انسانها با هوش و اراده خویش و از طریق مشارکت، به پذیرش آن (جامعه پذیری) می‌پردازد. بنا براین، این واژه به معنای فرآیندی است که برپایه آن مجموعه حیات و فعالیتهای انسانی در شبکه وابستگیهای متقابل اجتماعی جای گرفته و انتقال می‌یابند. بعبارت دیگر این واژه فرآیند تأثیر متقابل بین یک شخص و محیط اجتماعی او را می‌رساند که نتیجه آن پذیرش مدل‌های رفتار اجتماعی در آن محیط و پیدایی نوعی انطباق متقابل بین فرد و جامعه است. فرآیندی روانی اجتماعی که برپایه آن شخصیت اساسی تحت تأثیر محیط و مخصوصاً نهادهای تربیتی، دینی و خانوادگی، شکل می‌یابد.<sup>۴۴</sup>

پژوهشنامه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳-۲-۱-۲- تعریف عملیاتی: *تال جامع علوم انسانی*

بطور کلی می‌توان گفت فرد از بدو تولد در معرض جامعه پذیری (جریان اجتماعی شدن) است و در چندین نظام ارتباط اجتماعی (خانواده، مدرسه، دوستان، ...) شریک است، و در تجربه این ارتباطات نقش او بعنوان یک کنشگر اجتماعی شکل می‌گیرد و ساختار شخصیتش متعادل می‌گردد. در واقع مکانیسم مهمی که در این روند تعلیم و تربیت و یادگیری اجتماعی مؤثر است همان خانواده می‌باشد که بنوعی قواعد بازی جهت ایفای نقش فرد را به‌محکم می‌گذارد تا از فرد یک کنشگر اجتماعی معتبر در نظر خود و دیگران ساخته شود. بنابراین اگر خانواده نتواند انتظارات متقابل میان عاملها (هنجارپذیری) را مورد شناسایی و رسیدگی قرار دهد و یا به‌عللی تضعیف گردد،



## بررسی عوامل مؤثر در انحرافات اجتماعی / ۳۷

نه تنها مشارکت فرد در اجتماع رو به کاهش می‌نهد بلکه تعادل و ساختار شخصیتش نیز دچار آسیب‌پذیری می‌گردد. لذا برای مهار رفتارها و گرایشهای فرد گرایانه و خودگرایانه افراد و همگام نمودن آنها با وجدان جمعی (همانندی)، خانواده بهمان اندازه که سرچشمه رضایت است می‌تواند منشاء اجبار و فشار و نارضایتی نیز باشد.<sup>۴۵</sup>

### ۳-۲-۲- عوامل گروهی (رفتار جمعی: دوستان / مدرسه / مردم)

#### ۳-۲-۲-۱- تعریف مفهومی:

جریان کنترل اجتماعی یا نظارت اجتماعی شامل تمام شیوه‌هایی است که افراد جامعه را در جای خود قرار می‌دهد. در واقع کنترل اجتماعی مجموعه وسایل و شیوه‌هایی است که با استفاده از آن، یک گروه یا یک واحد اعضای خود را به پذیرش رفتارها، هنجارها، قواعدی در سلوک و حتی آداب و رسوم منطبق با آنچه گروه مطلوب تلقی می‌کند، سوق می‌دهد. عبارتی کنترل اجتماعی یکی از اشکال فشار اجتماعی است و به دو وجه متفاوت صورت‌پذیر است: یا از طریق اعمال اجبار اجتماعی نظیر مجازاتهای حقوقی و تنبیه، و یا از طریق اقناع نظیر تبلیغ، اعطای پاداش و اعتبار و استعانت از ارزشهای اخلاقی. بنابراین کنترل اجتماعی جهت تنظیم حیات اجتماعی، به اعمال فشاری می‌انجامد که بهم پیوستگی و یکپارچگی گروه را به مناسبت الزامی بودن قواعد و هنجارها موجب می‌آید، و یکی از اساسی‌ترین شیوه‌های آن در راه تأثیر بهتر و مؤثر بر رفتار انسانها، آموزش رفتار اجتماعی از آغاز کودکی (روند اجتماعی شدن) است، تا از این طریق با اصطلاح فرآیند درونی‌سازی هنجارهای اجتماعی (هنجارپذیری) محقق‌پذیرد، و تمام اینها به واسطه حضور مستقیم یا غیرمستقیم مکانیسم‌های نظارت اجتماعی (نظیر خانواده، مدرسه، دوستان، وسایل ارتباط جمعی، ...) است که بر رفتار افراد حاکم بوده و هنجارها را تنظیم می‌نماید.<sup>۴۶</sup>

#### ۳-۲-۲-۲- تعریف عملیاتی:

تمامی رفتارهای گروهی را می‌توان عملاً رفتار جمعی خواند، لذا فعالیت جمعی به این معنی است که تمام اشخاصی که در یک گروه با هم کار می‌کنند، یک نوع تقسیم

کار بین آنها وجود دارد و بدینوسیله یک پیوستگی در جهات مختلف کردار انسان بعمل می آید. از این لحاظ فعالیت گروهی یک موضوع جمعی است، و تمام رفتار جمعی که بین انسانها اتفاق می افتد بخاطر این است که همه مردم ادراکات و توقعات مشترکی نسبت به یکدیگر دارند، لذا با پیدایش اشکال رفتار جمعی، نظام اجتماعی شکل می گیرد و توسعه می یابد. بنابراین اولاً بر مبنای انتظارات و توقعات مشترک، افراد قادر به همکاری و تنظیم فعالیت‌های یکدیگر می شوند. ثانیاً ارزشهای وابسته به این انتظارات، اهمیت آن توقعات مشترک را معین می کند. و ثالثاً تصویری را که مردم از خودشان در کنش متقابل و روابط با یکدیگر و گروهشان دارند، نشان می دهد. بنابراین بخاطر عکس‌العملها و اعمال متقابل و مداومی که بین افراد وجود دارد، انتظارات، ارزشها و مفاهیم جدیدی از واقعیات و نیز امیال و حالات جدیدی از آن پیدا شده، و پویای رفتار جمعی، شکل و سازمان بخود می گیرد. و بدین طریق واکنشی بوجود می آید که در آن شخص انگیزش خود را تقویت می کند، تا با شناختن کنش متقابل اجتماعی به اصل رفتار جمعی پی ببرد.<sup>۴۷</sup>

### ۳-۲-۳- عوامل انگیزشی (نیازها / انتظارات / احساسات)

#### ۳-۲-۳-۱- تعریف مفهومی: ماه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نیاز، احساس فقدان یا حرمانی است که به یک موجود زنده (بخصوص انسان آگاه) به جهت آنکه در جریان تحقق اهدافش خود را فاقد چیزی می بیند، دست می دهد. این احساس که می تواند جهاتی آسیب‌یابد، موجب تمایل به هر آنچه می شود که امکان ارضای نیاز را فراهم می سازد.<sup>۴۸</sup> در واقع انسانها همواره در پی آنند که نیازهای خود را با اکثریت افراد جامعه و هنجارهایی که آنها دارند تطبیق دهند، از اینجاست که تحول و پویایی نیازها یعنی احساس نیازمندی در انسانها بوجود می آید. این تقلید ممکنست مورد تشویق دیگر اعضای جامعه واقع شود و یا با وصف مخالفت و مجازات آنها بطور مخفی انجام پذیرد و همین سرمنشاء بسیاری از رفتارهای نابهنجار یا باصطلاح انحرافات اجتماعی است، بنابراین اشاعه نیازها خود علت اساسی انحراف اجتماعی است.<sup>۴۹</sup>

همنوائی، فرآیندی است روانی اجتماعی که از طریق آن، شخص همان طرز تلقی ها، همان کردارها، همان عادات و آداب زندگی و اندیشه را می پذیرد که افراد مسلط در محیط اجتماعی پیرامونش پذیرفته اند. از همین طریق است که انسان از عقاید پذیرفته و عادات جا افتاده تبعیت می کند. هنجارها و مدل‌های رفتاری غالب، موجبات بروز هم‌نوائی را فراهم می‌سازند. کنترل اجتماعی نیز که در جهت رعایت ارزشهای یکسان و رفتاری مشابه توسط همگان، اعمال می‌شود، خود عامل مهمی در ایجاد هم‌نوائی است. معه‌ذا ناهمنوائی تنها نفی هم‌نوائی نیست، بلکه مخالفت با آن نیز هست. بعبارتی این فرد ناهمنوا، با عادات رایج و جاافتاده، عقاید پذیرفته شده، ارزشهای مسلط در یک محیط اجتماعی، مخالفت می‌ورزد و رفتارش منبعت از انگیزه‌هایی آگاهانه و مغایر با ویژگی‌های محیط اجتماعی پیرامون اوست، و یا آنکه از واکنش جبلی و مبتنی بر خویش مایه می‌گیرد که ویژگی آن طغیان، اعتراض و اختلاف رأی است. چنین شخصی می‌تواند یک فرد گرا، هرج و مرج گرا، یا کجرفتار و یا آنکه یک مبدع ساده باشد.<sup>۵۰</sup>

انزوای اجتماعی، بعنوان یک حالت، شرایطی نظیر دوری از نظر اخلاقی، تجزی و فقدان تماس (به جهت فقدان روابط اجتماعی) را می‌رساند. در چنین شرائطی اعضای یک جامعه مبادلات و آن روابط اجتماعی را که معمولاً باید داشته باشند، از دست می‌دهند، و از دیگران فاصله می‌گیرند و یا آنکه توسط دیگران طرد می‌شوند. صور انزوای اجتماعی نیز انواعی چند می‌یابند، گاه انزوا از عدم اطلاع از یکدیگر منبعت می‌شود، زمانی دیگر، تجزی طبقات یا وجود گروه‌های حاشیه‌ای به انزوای اجتماعی می‌انجامد و در مواردی دیگر انواع گوناگون تجزیها، صور خاص انزوای اجتماعی را پدید می‌آورند، که گاهاً به رفتار نابهنجار یا کجرفتاری سوق داده می‌شود.<sup>۵۱</sup>

احساس محرومیت نسبی، وقتی ظهور می‌کند که فرد یک وسیله ارضای نیاز را ببیند و ادراک کند، و ببیند که افراد دیگر آن وسیله را در اختیار دارند، او نیز میل به داشتن آن کند. اما امکان بدست آوردن آنرا نداشته باشد. در واقع این احساس بی‌عدالتی نسبی یا محرومیت نسبی، ممکنست بتدریج بغض، حسادت و عکس‌العمل‌های عاطفی (مثل تعویض شغل، خودکشی، ...) شود و در صورت فقدان کنترل اجتماعی برفتارهای نابهنجار دیگری (مانند دزدی، کارشکنی، ...) را در پی داشته باشد.<sup>۵۲</sup>

## ۲-۳-۲-۳- تعریف عملیاتی:

بطور کلی افراد آرزوها و اهداف شخصی روشنی برای خود دارند، هرکسی ممکن است به چیزهایی نیاز داشته باشد، اما این نیازها، اهداف مشترک نیستند، لذا خواسته‌ها و اهداف شخصی و منحصر بفرد افراد، انگیزه‌های خودخواهانه‌ای به آنان می‌دهد، و اگرچه ارزشها و هنجارهای اجتماعی حاکم بر جامعه نیز در این انگیزش دارای نقش می‌باشد، در عین حال انگیزه‌ها در جهت دستیابی به رضایت و لذات خواسته شده، سوق داده می‌شوند. در واقع افراد بر اساس خودخواهی به کنش می‌پردازند تا به رضایت یا لذت مطلوب برسند، لیکن هرکسی در ازای آنچه می‌گیرد چیزی باید بدهد، بعبارت دیگر اگر رضایت متقابل (ارضای کامل نیازها) وجود نداشته باشد، تعامل اجتماعی صورت پذیر نخواهد بود. معهذاً در این بده بستان همیشه دریافت پاداش متضمن هزینه است. بنابراین رفتار روزمره مردم پاسخی به خواسته و محاسبه فردی است و کنشگران در انتخابهای خود از آزادی زیادی برخوردارند، اما قویترین انگیزش یا پاداش مشترک در این تعامل، تأیید اجتماعی است و بنظر می‌رسد افراد در زندگی خود در جستجوی مطلوب واقع شدن هستند و از آن در روابط اجتماعی خود لذت می‌برند در صورتیکه ناکامی از ارضای نیازها موجب بروز رفتارهای پرخاشگرانه می‌شود، از اینرو آرزوی دستیابی به امتیازات هم‌نوائی یا دیگران (احساس فقدان تعلق اجتماعی)، انگیزه رفتار نابهنجار است، چرا که بر اثر فقدان عدالت توزیعی، و عدم ارضای انتظار پاداش، نارضایتی و مخالفت با هنجارهای جامعه (هنجار شکنی و رفتار نابهنجار) و سپس کجرفتاری و انحرافات اجتماعی را بدنبال خواهد داشت.<sup>۵۳</sup>

## ۳-۳- تحلیل چندمتغیری روابط بین عوامل مؤثر بر میزان جرم

همبستگی بین عوامل مؤثر بر میزان جرم، نشان می‌دهد که چه متغیرهایی از عوامل سه‌گانه مورد بررسی (یعنی عوامل خانوادگی / عوامل گروهی / عوامل انگیزشی) بر میزان جرم تأثیر دارند، لذا در اینجا با توجه به رگرسیون چندمتغیری به تحلیل متغیرهای منتج پرداخته می‌شود:

## بررسی عوامل مؤثر در انحرافات اجتماعی / ۴۱

جدول ۳- رگرسیون چند متغیری برای تبیین عوامل مؤثر بر میزان جرم

متغیرهای مستقل	R	R <sup>2</sup>	SE	Beta	F	r
میزان نابسامانی خانواده	-.۲۵	-.۰۶	۴۷/۲۴	+۰/۴۶	۱۰/۱۴	+۰/۲۳
میزان امکان ارضای نیازها	-.۳۳	-.۱۱	۴۶/۱۴	-۰/۲۳	۹/۴۶	-۰/۲۸
میزان رفتارهای منفی خانواده	+.۳۹	+.۱۶	۴۵/۱۴	+۰/۳۴	۹/۱۴	+۰/۰۷
میزان نیازهای ارضاء نشده	-.۴۴	-.۱۹	۴۴/۳۶	+۰/۱۹	۸/۷۵	+۰/۱۹

Constant=a=۱۴۸/۲۷

Sign.F=۰/۰۰۱

از کلیه عوامل (خانوادگی / گروهی / انگیزشی) مؤثر بر میزان جرم می توان به متغیرهای فوق اشاره نمود که رابطه معنی داری را با میزان جرم نشان می دهند، یعنی با افزایش میزان نابسامانی یا عدم انسجام خانواده، کاهش میزان امکان ارضای نیازها (میزان امیدواری در حل مشکلات)، افزایش میزان رفتارهای منفی خانواده، افزایش میزان نیازهای ارضاء نشده (میزان مشکلات)، بطور محسوسی افزایش میزان جرم (گرایش به بزهکاری و انحرافات اجتماعی) تبیین می گردد.

### ۴- نتیجه گیری

همانطوری که در تبیین آماری نتایج ملاحظه گردید، از کلیه عوامل (خانوادگی / گروهی / انگیزشی) مؤثر بر میزان جرم، تعدادی از متغیرهای ذیربط با میزان جرم همبستگی معنی داری را از خود نشان دادند. اما لازم است این عوامل مفروضه را در قالب تئوریهای مربوطه مورد بررسی و ارزیابی مجدد قرار دهیم:

۴-۱- فرضیه اول- عوامل خانوادگی (خصوصیات خانواده / رفتار والدین)

چنانکه ملاحظه شد، اجتماعی شدن جریانی است که به بزرگت آن فرد در طول حیات خویش، تمامی عناصر اجتماعی فرهنگی محیط خود را (بواسطه کنش متقابل اجتماعی مبتنی برانتظارات متقابل، هنجارها و ارزشهای حاکم بر آنها) فرا می گیرد و درونی می سازد (یادگیری اجتماعی)، و تحت تأثیر تجارب و عوامل اجتماعی معنی دار، آنان را با ساخت شخصیت خود یگانه می سازد (همنوائی و انطباق). بنابراین مجموعه فرآیندهایی که به مدد آنها اجتماعی شدن افراد تحقق می یابد، در حکم کارکرد حفظ الگوهای فرهنگی بنیانی در جامعه می باشد. لذا از طریق جامعه پذیری است که فرهنگ انتقال می یابد و درونی می شود، و عامل مهمی در انگیزش رفتار اجتماعی بحساب می آید. در واقع این کارکرد عمدتاً در خانواده و نظام آموزشی متمرکز می باشد.<sup>۵۴</sup>

و از آنجا که متغیرهای مربوط به عوامل خانوادگی، رابطه معنی داری را با میزان جرم نشان دادند، یعنی:

- در خانواده هایی که وضع از هم گسیختگی و نابسامانی آن بیشتر بوده است.
- و والدین سوء رفتار بیشتری نسبت به فرزندان روا داشته اند.

میزان جرم افزونتر شده است، این بدان معناست که خانواده اولین گامها را در جاده بزهکاری و انحراف اجتماعی فرزندان مهیا می سازد. در اینجا نظریه های تئورسینهای نظیر دورکیم، پارسنز، مید، کولی (در قالب تئوری اجتماعی شدن / جامعه پذیری) تأیید می شود.

۴-۲- فرضیه دوم- عوامل گروهی (رفتار جمعی: دوستان / مدرسه / مردم)

همانطوریکه ملاحظه گردید، جامعه را باید محصول کنشهای متقابل افراد ترکیب کننده آن دانست که در ضمن با یک رشته سنتها و هنجارهایی که در این فراگرد کنش متقابل پدید می آیند، نظارت می شود. کنترل اجتماعی واقعیت اساسی و مسئله کانونی جامعه است. جامعه در همه جا یک سازمان نظارت کننده است و کارکرد آن، سازمان دادن، یکپارچه کردن و جهت دهی توانائیهای افراد ترکیب کننده جامعه است. در واقع نظارت اجتماعی به انواع مکانیسمهایی راجع است که بوسیله آنها رفتار جمعی سازمان داده می شود و محتوا و جهت می گیرد و پیوسته در جهت تنظیم فراگردهای

اجتماعی (رقابت، کشمکش، توافق و هم‌رنگی) و متوجه ساختن افراد به مقتضیات ضروری سامان اجتماعی عمل می‌کند. <sup>۵۵</sup> عبارت دیگر کنترل اجتماعی از نقطه نظر فرد انسانی (عضو جامعه) عبارتست از انگیزه‌های او در راه مبارزه با رفتار انحرافی (متناقض با هنجارهای اجتماعی) و از نقطه نظر نظام اجتماعی (جامعه)، کنترل اجتماعی شامل مجموعه‌ای از نیروهاست که موجبات بروز تعادل مجدد نظام را فراهم می‌آورند. در واقع با کنترل اجتماعی، نیاز انسانها به پذیرش آنان از جانب جامعه نیز ارضاء می‌شود. <sup>۵۶</sup>

و از آنجا که انتظار می‌رفت متغیرهای مربوط به عوامل گروهی، رابطه معنی داری را با میزان جرم نشان دهد، لیکن چنین رابطه‌ای منتج نگردید، عبارت دیگر در اینجا نظریه‌های تئوریهایی نظیر پارسنز، دورکیم، پارک، بلومر (در قالب تئوری کنترل اجتماعی) تأیید نمی‌شود.

#### ۳-۴- فرضیه سوم- عوامل انگیزشی (نیازها/ انتظارات/ احساسات)

همچنانکه دیده شد، در مجموع در زندگی روزانه نوجوانان مشکلات فراوانی (نیازهای ارضاء نشده) وجود دارد و در بسیاری موارد بین آنچه که افراد بزرگسال به آنها می‌گویند انجام دهند و آنچه که نوجوانان خودشان صلاح می‌بینند انجام دهند، تعارض گسیج‌کننده‌ای وجود دارد. لذا این دوراهی خاص (یا ناموزونی شناختی) که در آن فرد احساس می‌کند راهنمایی باید باشد ولی وجود ندارد، یا هنگامی که شخص مجبور است با انتظارات متعارضی که بر آوردن فوری آنها میسر نیست کنار بیاید (ضعف نقش هنجارهای اجتماعی)، دچار احساس عدم هم‌نوایی اجتماعی می‌گردد که به گسستن از نظم سنتی، بی‌اعتنایی نسبت به هنجارها و مقررات مبتنی بر گذشته دلالت می‌کند. و از آنجا که نوجوانان نسبت به این انزوای اجتماعی، آسیب‌پذیری خاصی دارند، در بسیاری موارد تشکیل گروههای بزهکار، یک آرامش، راه حل و فرار برای این احساس غربت و بی‌هویتی و احساس ناراحتی و بی‌عدالتی نسبی آنهاست، چرا که گروه بزهکار به این نوجوانان، دست کم احساس تعلق می‌دهند و دسته‌ای از ارزشها را برای آنان فراهم می‌آورند، هرچند که مغایر با ارزشها و هنجارهای حاکم بر جامعه باشد. <sup>۵۷</sup>

و از آنجا که برخی متغیرهای مربوط به عوامل انگیزشی، رابطه معنی داری را با میزان

جرم نشان دادند، یعنی:

- هرچقدر مشکلات یا نیازهای ارضاء نشده بیشتر بوده،  
 - و از طرفی هرچه امیدواری آنان درحل مشکلات کاسته گردیده،  
 انگیزه آنان بسمت بزهکاری و انحرافات اجتماعی بیشتر شده است و بطور  
 فزاینده‌ای برمیزان جرم مؤثر واقع گردیده است. دراینجا فقط نظریه‌های تئورسیسینهای  
 مربوط به تئوری نیازها (در مورد زمینه‌های پویایی نیازها) یعنی مازلو، آدر نوو مارکوزه  
 تأیید می‌شود، و نظریه‌های تئورسیسینهای مربوط به تئوری مبادله یعنی هومنزوزیمل، و  
 تئوری آنومی یعنی دورکیم و مرتن (در مورد زمینه‌های احساس عدم تعلق اجتماعی)  
 تأیید نگردیده است، چرا که رابطه معنی‌داری را با میزان جرم نشان نمی‌دهد.

بنابراین از محتوای این تحقیق می‌توان چنین استنتاج نمود که با توجه  
 به گسیختگی خانواده (جدایی یا فوت والدین)، و کاهش انسجام و یکپارچگی آن و  
 افزایش سوء رفتارهای والدین (اعم از والدین یا ناپدری و نامادری)، که منجر به اخراج یا  
 فرار فرزندان از خانه می‌شود، و از یکطرف میزان مشکلات (نیازهای ارضاء نشده) فرزندان  
 را می‌افزاید و از طرف دیگر میزان احساس امیدواری ایشان را درحل مشکلات (حتی  
 در آینده دور) می‌کاهد، لذا بواسطه اینکه فرد اولین یا دومین فرزند خانواده بوده و  
 احساس استقلال نموده و مسائل خانواده را درک می‌نماید و نیاز به همفکری و همدلی و  
 یا بعبارتی نیازمند پذیرش خانواده و جامعه‌اش می‌باشد، از این رو با کوتاه شدن دستش  
 از مشارکت و مشورت مردم و کاهش اهمیت و احترام اجتماعی نزد مربیان مدرسه، دست  
 نیاز بسوی دوستان و همالان (معاشرتهای ترجیحی) برداشته تا از اینطریق احساس  
 احترام و انتظار پذیرش نزد دولستان را کسب نماید. لیکن وقتی در برخورد با دوستان  
 ناباب به بزهکاری و انواع انحرافات اجتماعی دست می‌یازد، بتدریج هاله‌ای از احساس  
 عدم تعلق اجتماعی پیرامون خود متصور می‌شود و هرچند که در محیطهای بازسازی  
 (کانون / زندان) سعی دارد اخلاق و رفتار خود را بهتر نماید و این بهتر شدن اخلاق و  
 رفتار خود را به رخ جامع نیز بکشاند معهداً با کم‌رنگ بودن رفتارهای مثبت مددکاران، و  
 عدم رضایت از محیط کانون و از همه مهمتر برچسب مجرم و این داغ باطله زدن، بر  
 یأس و ناامیدی وی افزوده شده که گاهاً در بحثهای گروهی نوع انحراف آنقدر نزد فرد  
 موجه جلوه داده می‌شود که بنوعی در تکرار جرم و یا وسعت بخشیدن آن (بصورت بانده



بزهکاری) تمایل نشان می‌دهد.

بنابراین اگر خانواده، مدرسه، و مردم اهل محل نتوانند بر رفتار و انتظارات جوانان نظارت کافی داشته باشند و ارزشها و هنجارهای اجتماعی را در کانال طبیعی به آنها بیاموزند و به آنها بقبولانند که از برخی از نیازها که مورد قبول جامعه نیستند، به اجبار یا کاملاً چشم‌پوشی کنند، و یا گاه با برخی از نیازهای جامعه‌پسند تعویض و یا شکل و روش ارضای آنها را با هنجارهای اجتماعی تطبیق دهند و یا نیازهای کاذب بر ایشان تولید نکنند، دیگر نمی‌توان از محیطهای بازسازی (کانون / زندان) توقع داشت وظایف ناکرده مربوط به خانواده، مدرسه، و مردم اهل محل را بهمان طریق فوق‌الذکر کانالیزه کرده و به توفیق کاملاً بایسته و شایسته نایل آیند، اما می‌توان امیدوار بود که با عنایت مسئولین متعهد و متخصص جامعه، نه تنها نظارت بیشتری بر این نوجوانان به اصطلاح بزهکار داشته باشند بلکه سعی شود با مکانیسمهای پیشگیرانه از راهها و وسایل ارتکاب بزهکاری و انحرافات اجتماعی (نظیر امکانات تحصیلی، امکانات شغلی، امکانات گذران اوقات فراغت، ...) را دقیقاً مدنظر قرار داده و برنامه‌ریزیهای عاجلی را در مورد جوانان و نوجوانان به اجرا گذارند.

فهرست منابع و مأخذ

- ۱- آراسته خو، محمد. نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی اجتماعی، نشر گستره، چاپ اول، تهران ۶۹، ص ۵۱۴.
- ۲- بیرو، آلن. فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، کیهان، چاپ اول، تهران ۶۶، ص ۳۷۲.
- ۳- باتامور، تی بی. جامعه‌شناسی، حسن منصور، حسن حسینی، کتابهای جیبی، چاپ سوم، تهران ۵۷، ص ۳۷۸.
- ۴- پیکا، ژرژ، جرم‌شناسی. علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، تهران، ۷۰، ص ۲۲ و ۱۱.
- ۵- معدن کن، ایراندخت. نقش ورزش در جلوگیری از انحرافات اخلاقی جوانان، سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول، تهران ۶۹، ص ۱۹.
- ۶- پیکا، ژرژ، همان منبع، ص ۲۰.
- ۷- گسن، ریموند. مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، مهدی کی‌نیا. مترجم، چاپ اول، تهران، ۷۰، ص ۴۸.
- ۸- صفوی، امان‌اله. تئوریه‌های انحراف (رشد علوم اجتماعی ش ۷ و ۶). آموزش و پرورش، تهران، ۷۰، ص ۲۲.
- ۹- صانعی، پرویز. حقوق جزای عمومی (ج ۲). گنج دانش، چاپ چهارم. تهران ۷۱. ص ۱۲۴.
- ۱۰- ممتاز، فریده. جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی (پلی کی‌درسی). دانشگاه شهید بهشتی، تهران ۷۱، ص ۱.
- ۱۱- دورکیم، امیل. قواعد روش جامعه‌شناسی. علیمحمد کاردان، دانشگاه تهران، چاپ سوم، تهران ۶۲، ص ۵۸.
- ۱۲- صانعی، پرویز. تعامل اجتماعی و رفتار مجرمانه (نشریه دانشکده حقوق ش ۲). دانشگاه شهید بهشتی (ملی ایران)، تهران ۵۳، ص ۷۴.
۱۳. پیکا، ژرژ، همان منبع، ص ۱۱.
۱۴. شامبیاتی، هوشنگ. حقوق جزای عمومی (ج ۱). پازنگ. چاپ اول، تهران ۷۱، ص ۱۹۸.
- ۱۵- هراد، براین. جامعه‌شناسی و مددکاری اجتماعی. محمدحسین فرجاد و دیگران، کوکب، چاپ اول، تهران ۶۲، ص ۲۱۸.
- ۱۶- پیناتل، ژان. جامعه جرم‌آفرین (آسیب‌شناسی اجتماعی). داور شیخاوندی. جار، چاپ اول. تهران ۵۱. ص ۱۵.

بررسی عوامل مؤثر در انحرافات اجتماعی / ۴۷

۱۷. پیکا، ژرژ، همان منبع، ص ۲۴.
۱۸. دانش، تاجزمان، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟ کیهان، چاپ سوم، تهران ۶۹، ص ۲۳.
۱۹. پیکا، ژرژ، همان منبع، ص ۹۷.
۲۰. احدی، حسن. بررسی عوامل مؤثر بر اختلالات رفتاری و بزهکاری دانش‌آموزان، نخست‌وزیری. چاپ اول، تهران ۶۶، ص ۲۲.
۲۱. اسکیدمور، ویلیام. تفکر نظری در جامعه‌شناسی، علمی‌محمد حاضری و دیگران، سفیر، چاپ اول، تهران ۷۲، ص ۱۵۵.
۲۲. اسکیدمور، ویلیام. همان منبع، ص ۱۴۰.
۲۳. کیوی / کامپنهود. روش تحقیق در علوم اجتماعی. عبدالحسن نیک‌گهر، چاپ اول، تهران ۷۰، ص ۱۳۶.
۲۴. ساروخانی، باقر. طلاق (پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن). دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران ۷۲، ص ۸۳.
۲۵. بیرو، آلن. همان منبع، ص ۳۴۸.
۲۶. لازارسفلد، پل. بینشها و گرایشهای عمده در جامعه‌شناسی معاصر. غلامعباس توسلی. امیرکبیر. چاپ اول، تهران ۷۰، ص ۱۷۰.
۲۷. ساروخانی، باقر. همان منبع، ص ۱۰۴.
۲۸. بیرو، آلن. همان منبع، ص ۱۶.
۲۹. محسنی تبریزی، علیرضا. بیگانگی (نامه علوم اجتماعی ش ۵). دانشگاه تهران، تهران ۷۰، ص ۴۳.
۳۰. بیرو، آلن. همان منبع، ص ۲۴۲.
۳۱. رفیع پور، فرامرز، جامعه‌روستایی و نیازهای آن، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، تهران ۶۴، ص ۱۷.
۳۲. رفیع پور، فرامرز، همان منبع، ص ۱۹.
۳۳. بیرو، آلن. همان منبع، ص ۱۲۳.
۳۴. اسکیدمور، ویلیام، همان منبع، ص ۸۳.
۳۵. تنهایی، ابوالحسن. درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی. مرندیز، چاپ اول، مشهد ۷۱، ص ۴۹.

## ۴۸ / پژوهشنامه علوم انسانی

- ۳۶- اسکیدمور، ویلیام، همان منبع، ص ۹۳.
- ۳۷- میلز، سی رایت. بینش جامعه‌شناختی (نقدی بر جامعه‌شناسی آمریکایی)، عبدالمعبود انصاری، چاپ اول، تهران ۶۰، ص ۴۶.
- ۳۸- رفیع پور، فرامرز. همان منبع، ص ۸۳.
- ۳۹- رفیع پور، فرامرز. کندوکاوها و پنداشته‌ها، شرکت سهامی انتشار چاپ اول، تهران ۶۰، ص ۱۹۹-۱۹۲.
- ۴۰- رفیع پور، فرامرز. جامعه‌روستایی و نیازهای آن. همان منبع، ص ۱۳۳.
- ۴۱- کرلینجر / پدهازور. رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری (ج ۱). حسن سرایی. مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، تهران ۶۶، صص ۱۲۶ و ۱۱۶ و ۱۱۲.
- ۴۲- وایزبرگ / براون. درآمدی به تحقیق پیمایشی و تحلیل داده‌ها. جمال عابدی، مرکز نشر دانشگاهی. چاپ اول، تهران ۶۲، صص ۲۲۶ و ۱۸۱.
- ۴۳- پیکا، ژرژ. همان منبع، ص ۱۱. ۴۴- بیرو، آلن. همان منبع، صص ۳۴۸-۳۶۲.
- ۴۵- کیوی / کامپنهود. همان منبع، ص ۱۳۶. ۴۶- بیرو، آلن. همان منبع، ص ۹۱.
- ۴۷- مک کلاتنگ لی، آلفرد. مبانی جامعه‌شناسی، محمدحسین فرجاد، هما بهروش، نشر نی، چاپ اول، تهران ۶۹، ص ۲۰۳.
- ۴۸- بیرو، آلن. همان منبع، ص ۲۴۲.
- ۴۹- رفیع پور، فرامرز. جامعه‌روستایی و نیازهای آن، همان منبع، ص ۱۷.
- ۵۰- بیرو، آلن. همان منبع، صص ۲۴۷ و ۶۲.
- ۵۱- بیرو، آلن. همان منبع، ص ۱۹۶.
- ۵۲- رفیع پور، فرامرز. جامعه‌روستایی و نیازهای آن، همان منبع، ص ۱۹.
- ۵۳- اسکیدمور، ویلیام، همان منبع، ص ۸۳.
- ۵۴- توسلی، غلامعباس. نظریه‌های جامعه‌شناسی، سمت، چاپ اول، تهران ۶۹، صص ۲۵۰، ۱۸۶.
- ۵۵- کوزر، لوئیس. زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، علمی، چاپ اول، تهران ۶۸، ص ۴۷۵.
- ۵۶- ساروخانی، باقر. همان منبع، ص ۸۴.
- ۵۷- کواریکیوس، ویلیام. بزهکاری نوجوانان (مسئله‌ای برای دنیای مدرن). جعفر نجفی‌زند، نمایشگاه کتاب کودک، چاپ اول، تهران ۶۷، ص ۴۹.